

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۱۲ اگست ۲۰۲۰

## ویروس کرونا، ویروس دینی را نیز تکان داده است!

رهبران مذهبی برخی از حکومت‌های اسلامی شیوع ویروس کرونا را یک «عذاب الهی» عنوان کرده‌اند. در واقع ویروس کرونا، ویروس دینی را نیز تکان داده است!

کرونا یک ویروس عامل بیماری است اما شیوع و گسترش آن در کل جهان به گونه‌ای نبود که مسأله فقط در سطح پزشکی و سلامت باقی بماند. به سرعت اقتصاد، سیاست و فرهنگ را تحت تاثیر قرار دارد. در ایران این موضوع از ابتدا با «دین» و «توطئه» پیوند خورد. در حالی که اولین موارد آن در شهر به اصطلاح «مقدس» قم شناسایی شد، یک دلیل این پیوند بود اما حکومت اسلامی حاضر نشد این مسأله را بپذیرد و قم را قرنطینه کند.

برای مثال سیدعلی‌اکبر حسینی‌نژاد، مشاور تولیت حرم گفته بود: «تعطیل کردن حرم چه ضرورتی دارد؟ مردم خودشان باید مراقب باشند. تعطیل کردن حرم پیام تلخی دارد، این‌جا پناهگاه مردم است و نشستن مردم در گوشه‌های از حرم و صحن، مشکلی پیش نمی‌آورد.»

در مقاله‌ای که در سایت آستان منتشر شد و البته بعد از مدتی از روی این پایگاه برداشته شد، ادعا شده بود: «سازهای حرم مطهر در بالاترین سطح آنتی‌باکتریائی بوده و مانع از شیوع عمومی بیماری‌های واگیردار و سد محکمی برای اپیدمی کرونا است.»

با این وجود حکومت اسلامی جشن‌های ۲۲ بهمن را گرفت و انتخابات مجلس شورای اسلامی را برگزار کرد. اما نکته جالب‌تر این است که این کشمکش علم و دین پیرامون ویروس کرونا محدود به ایران نبود. ماجرای مشابهی در کره جنوبی که همچون ایران در میان ۳ کشور اول شیوع کرونا قرار داشت، اتفاق افتاد. کره دومین کشوری بود که کرونا در آن با سرعت زیادی شیوع پیدا کرد. آن‌طور که گفته می‌شود، مبدا اصلی انتشار ویروس کلیسائی مسیحی به نام شین‌چانجی در شهر دگو چهارمین شهر بزرگ کره جنوبی بوده است. به گزارش بی‌بی‌سی شمار مبتلایان به ویروس کرونا تا روز ۲ مارس-۱۲ اسفند در کره ۴۲۱۲ بوده است که از این تعداد ۳۰۸۱ نفر مبتلا در شهر دگو بوده‌اند و ۷۳ درصد آن‌ها از پیروان فرقه شین‌چانجی بوده‌اند...

نیویورک تایمز گزارشی نسبتاً تفصیلی از موقعیت این کلیسا در جامعه و موضع‌گیری مردم نسبت به آن در ۴ مارس منتشر کرده است. در این گزارش آمده است خانمی ۶۱ ساله از اعضا این کلیسا که دارای علائم قطعی کرونا بوده اجازه نمی‌داده از او تست گرفته شود. او آزادانه همه جا رفته و افراد زیادی را به ویروس مبتلا کرده که در نهایت وقتی با به بیمارستان منتقل شده، مشخص شده که به کرونا مبتلا است.

نظریه تکامل بر پایه دو اصل «انتخاب طبیعی» و «جهش ژنتیکی» به توضیح سیر تاریخی تغییرات در انواع موجودات زنده می‌پردازد. این نظریه با یک چالش دینی مواجه است و یک چالش الهیاتی، که باید آن‌ها را از هم تفکیک کرد. چالش دینی آن این است که انسان در این نظریه گونه متفاوت از سایر موجودات و از نسل آدم، نیست. بلکه یک گونه تکامل یافته از سایر جانوران در طول میلیون‌ها سال است. این موضوع با متن آیات و روایات و خدا در تعارض است.

تاریخ با رشد دانش‌های تجربی به‌ویژه از عصر رنسانس، جهان‌شناسی اندیشمندان نیز متحول گردید. زمانی ارنست همینگوی گفته بود: «تمامی متفکران بی‌خدا هستند!»

تقریباً تمام برندگان نوبل علمی و بخش اعظم برجسته‌ترین دانشمندان و متفکران جهان به صراحت وجود خدا را رد کرده‌اند و این حتی پیش از آن است که به وجود پیامبران، یا اجنه، شیاطین، فرشتگان یا امام هزار و چند صد ساله غایب اعتقاد داشته باشند.

**استیون هاوکینگ**، کیهان‌شناس و فیزیکدان نظری برجسته بریتانیایی، در اظهار نظری جدید با قطعیت و یقین اعلام کرد که «خدائی وجود ندارد.»

### کارل مارکس

هراسناکترین چیز برای دین و انسان دین‌خو، منطقی و عقل سلیم است.

### برتراند راسل

این چه خدائی است که در موقع نیاز آدمی، یا سکوت می‌کند و یا تشریف حضور ندارد.

### آلبرت انشتین

اگر کسی یک نفر را بکشد قاتل است، میلیون‌ها را بکشد فاتح است و همه را بکشد خداست.

### ولتر

من در خانه یک روحانی بزرگ شده‌ام. به همین دلیل دروغگوی درجه یکی از آب در آمده‌ام.

### احمد شاملو

دین، توهینی به شأن و مقام انسانیت است. هیچ فرقی نمی‌کند، بدون باورهای دینی، انسان‌های خوب کارهای نیک و انسان‌های بد کارهای بد انجام می‌دهند. ولی آن چیزی که انسان‌های خوب را وادار به کارهای بد می‌کند، باورهای دینی است.

### جورج برنارد شاو

دو دسته انسان در دنیا وجود دارد: آگاهان بدون دین و دین داران بدون آگاهی.

### چارلز داروین

کارتل مواد مخدر مدی ئین «اسکوبارها» و مثلث چینی و مافیای ایتالیا و امریکا، انگشت کوچک ادیان سازمان یافته نمی‌شوند.

### گالیلئو گالیلئو

از یک متن دوران بربریت برنز، به نام عهد عتیق، سه دین غیرانسانی نشأت گرفته‌اند - یهودیت، مسیحیت و اسلام- اینها ادیانی آسمانی هستند. به معنای دقیق کلمه ادیانی هستند پدرسالار- خدایشان یک پدر قادر متعال است که طی بیش از ۲۰۰۰ سال او و نمایندگان مذکر زمینی‌اش در کشورهای مبتلا به این ادیان آسمانی به زنان نفرت روا داشته‌اند.

### ویکتور هوگو

اسلام عمیقاً ضد زن است. اسلام علت بنیادی ستم بر زنان مسلمان و عمده‌ترین مانع در ارتقای موقعیت آنان است. اسلام همواره زنان را از نظر فیزیکی، هوشی و اخلاقی موجوداتی فرودست می‌بیند.



از آغاز اپیدمی کرونا، با دیدن این که برخی از گروه‌های مذهبی از پیروی از مقررات بهداشتی که اکثریت مردم آن‌ها را برای جلوگیری از سرایت بیشتر کوید ۱۹ الزامی می‌دانند اکراه نشان می‌دهند، انسان به شگفت‌زدگی دچار می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که اگر جهل و خرافات مذهبی و سایر خرافات بر جامعه حاکم باشد آن جامعه چه‌قدر از علم و دانش بشری عقب می‌ماند!

در کلیه سرزمین‌های شرق و غرب گرفته تا شمال و جنوب به‌ویژه آسیا، در کلیسا، مسجد، کنیسه یا دیگر محل‌های گردهم‌آئی که دین‌داران جمع شده و به اجرای عبادات و آئین‌های مذهبی خود می‌پردازند، این اقدام منجر به پخش هر چه بیشتر و وسیع‌تر ویروس کرونا می‌شود. نباید فراموش کرد که در قرن هجدهم طاعون به این دلیل در روسیه شیوع یافت که مذهبیون برای بوسیدن مجسمه‌های به اصطلاح «مقدس» صف می‌کشیدند و عامل انتقال بیماری به دیگران می‌شدند. حال این که در آن زمان اکثریت مردم نمی‌دانستند که شیوع یک بیماری چگونه صورت می‌گیرد اما امروز، عموم مردم هم می‌دانند که خطر پخش ویروس کرونا ناشی از نزدیک‌شدن انسان‌ها به یکدیگر است.

اساساً پایه‌های دین و مذهب با دروغ و ریاکاری و زور و قلدری بنا شده است و تا به امروز لطمات زیادی به علم و دانش و رشد و شکوفائی بشر به‌ویژه در مناطقی زده که مسلمانان ساکن هستند.

اگر کمی واقع‌بین باشیم و عملکرد کنونی نمایندگان خدا در ایران را مدنظر قرار دهیم آن موقع به سادگی درمی‌یابیم که خدا و قرآن و سایر کتاب‌های به اصطلاح «آسمانی» چه اندازه پوچ و خرافی و دروغ‌اند و چه‌قدر با علم و دانش و آگاهی و آزادی و برابری بشر سر خصومت و دشمنی دارند!

ویروس کرونا تاکنون مانند هیولائی جان انسان‌های بی‌شماری را در جهان گرفته است. اما هم‌زمان با انسان‌خواری این هیولای هولناک، از جمله گرایش‌های مذهبی نیز از خامنه‌ای شیعه گرفته تا ترمپ مسیحی، همه و همه همراهی خود با این هیولا را در کشتار مردم عملاً نشان داده‌اند و هم رسوا شده‌اند. در واقع همه مذاهب به‌عنوان گرایش‌های ارتجاعی و عقب‌مانده سرمایه‌داری تنها منافع سرمایه‌داری خود را در فدای انسان و طبیعت می‌دانند، بلکه به‌شدت مخرب و ویران‌گر هستند!

تجربه تاریخی نشان داده که حکومت اسلامی ایران در رویارویی با بحران‌های بزرگ ابائی از پنهان‌کاری و حتی جعل واقعیت و دروغ‌گوئی ندارد. دست‌کم در دو بحران اخیر، سرنوشتی هواپیمای مسافری توسط پدافند سپاه و همین‌طور اعتراضات آبان‌ماه، مجموعه بزرگی از نهادهای گوناگون، از رسانه‌ها گرفته تا نهادهای تخصصی، در پنهان‌کاری و بعضاً انتشار اطلاعات نادرست مشارکت داشته‌اند.

در ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی، سپاه و دولت با وجود انتشار شواهدی از برخورد موشک به هواپیما، بهمدت سه روز حقیقت را پنهان و انکار کردند. در عین حال، تمرکز رسانه‌های رسمی و سازمان هواپیمائی کشوری به‌عنوان مرجع تخصصی، دانسته یا نادانسته، صرفاً روی انکار واقعیت بود.

در ماجرای کشته‌شدن صدها شهروند معترض در اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، اگرچه حکومت اسلامی ایران اصل کشته‌شدن معترضان را پذیرفته، اما تا امروز مجموعه متنوعی از نهادهای دولتی، نظامی و انتظامی، قضائی و سازمان‌های تخصصی مثل پزشکی قانونی از اعلام آمار سرباز زده است و رسماً پنهان‌کاری کرده است.

در ماجرای کرونا تا این‌جای کار، مقام‌های وزارت بهداشت (به‌عنوان نهاد مرجع تخصصی)، منابع و رسانه‌های رسمی، مرجع مطمئنی برای ارائه اطلاعات درست نبوده‌اند.

در حقیقت با شیوع کرونا در جهان بسیاری کشورها تمام توان علمی خود را برای یافتن دارو یا واکسنی بر ضد کوید ۱۹ به کار گرفته‌اند و هم‌زمان تلاش‌های دیگر کشورها در این زمینه را نیز به دقت زیر نظر دارند. کمتر روزی سپری می‌شود که در آن خبری در این رابطه منتشر نشود.

در این میان حکومت اسلامی ایران هم در این عرصه بی‌کار ننشسته است و گاه و بی‌گاه گزارش‌هایی در رابطه با «آمدن دارویی خاص تا ۳ ماه دیگر» یا «تست موفق» این ماده یا آن ماده اثرگذار بر روی این بیماری منتشر می‌شود. اما مردم ایران در کنار شرکت‌های دارویی و دستگاه‌های متولی بهداشت و درمان، گاه و بی‌گاه از «باغ» طب اسلامی هم «بری» می‌رسد هم بی‌نصیب نمانده‌اند.

برای اولین بار عصر روز چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۸، خیر ورود کرونا به ایران هم‌زمان با اعلام مرگ دو شهروند قمی به‌طور رسمی توسط رئیس دانشگاه علوم پزشکی قم اعلام شد.

احمد امیرآبادی فراهانی، نماینده مردم قم، روز پنجم اسفند ماه در مجلس اعلام کرد: «۵۰ نفر در دو هفته اخیر به دلیل ابتلا به کرونا درگذشته‌اند و سه هفته است کرونا به قم آمده و این موضوع دیر اعلام شده است.»

ایرج حریرچی، معاون وزیر بهداشت به‌همراه سخن‌گوی دولت این ادعا را تکذیب کرد.

مقام‌های وزارت بهداشت حکومت اسلامی ایران، از لزوم اجرای محدودیت‌هایی برای رفت‌وآمد به اماکن مذهبی قم صحبت کرده بودند، با این حال مقام‌های مذهبی از جمله امام جمعه این شهر و تولیت «آستان قدس حضرت معصومه» گفته است که نیازی به تعطیل حرم نیست. به‌گفته محمد سعیدی «دشمن می‌خواهد قم را شهری ناامن نشان دهد و انتقام همه شکست‌های خود را از قم بگیرد.»

در ایران نیز بازار تئوری توطئه داغ بود و هنوز است. علی اکبر رائفی‌پور یکی از نظریه‌پردازان حکومتی توطئه در ایران، یک روز پیش از انتخابات در توییتر نوشت: «عجب ویروس هوشمندی است این کرونا! دقیقاً روز قبل از انتخابات سروکله‌اش در ایران پیدا شده.»

اما سطح تئوری توطئه از این بالاتر است و به عالی‌ترین مقام سیاسی ایران می‌رسد: آیت‌الله خامنه‌ای! خامنه‌ای در اولین اظهار نظر رسمی خود گفت: «علیه شرکت مردم در انتخابات چه حجمی کار شد... حالا آخری هم این بیماری (جدید) که این هم شد یک بهانه خوبی. شب پنجشنبه که جمع‌اش انتخابات بود، خبر بروز این ویروس و این بیماری در قم مثلاً داده شد، (دشمن) از سحر پنجشنبه شروع کرد تبلیغات کردن که «مردم مبدا بروید در صف انتخابات بایستید، در صف رای دادن بایستید، آن‌جا چنین است، چنان است، بیماری هست، مرض هست، ویروس هست؛ ببینید! یعنی از کمترین فرصتی استفاده کردند و نگذاشتند حتی چند ساعت هدر برود؛ بلافاصله شروع کردند به گفتن و دائم تأکید کردند.»

جنگ تبلیغاتی و «کرونا هراسی...» فراتر از «توطئه» انتخاباتی شورای اسلامی یک کلیدواژه رسمی هم وجود دارد که از روز ۳۰ بهمن تا امروز در تمام لایه‌های حکومت ایران مطرح شده است: «جنگ تبلیغاتی» این واژه هم از سوی مقام‌های دولتی از رئیس‌جمهوری گرفته تا مقام‌های وزارت بهداشت و هم رسانه‌های رسمی مانند تسنیم و صدا و سیما مطرح شده است.

حسن روحانی روز ششم اسفند سال گذشته، در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا گفت: «از روز شنبه کار و فعالیت در کشور باید به صورت آن‌چه که در هفته‌های گذشته جریان داشته، ادامه یابد و هراس‌افکنی و تلاش برای به تعطیلی کشاندن کشور، توطئه دشمنان است.»

ستاد ملی مبارزه با کرونا، مهم‌ترین تشکیلات ملی برای مدیریت بحران است. اما معلوم نیست اعضای این ستاد چه کسانی‌اند.

در دی‌ماه سال گذشته، عباس تبریزیان، پیش از تبلیغ روغن بنفشه برای درمان کرونا، در جمع هوادارانش، کتاب «اصول طب داخلی هاریسون»، یکی از کتاب‌های درسی شناخته‌شده آموزش پزشکی را به آتش کشید. عمل او بازتاب زیادی در محافل پزشکی و فضای رسانه‌ای پیدا کرد. در آن زمان هم کیانوش جهانپور، مدیرکل روابط عمومی وزارت بهداشت، با ابراز نگرانی از «دخالت‌های مکرر این مدعی طلب اسلامی»، از رئیس قوه قضائیه خواست هم در مقام ریاست این قوه و هم به‌عنوان رئیس دادگاه ویژه روحانیت، با این فرد و جریان حامی او، برخورد کند.

بعد از این ماجرا خبرهایی در مورد بازداشت این روحانی منتشر شد که خبرگزاری میزان، خبرگزاری وابسته به قوه قضائیه، به نقل از دادستانی ویژه روحانیت این موضوع را تکذیب کرد. در عوض سه پزشک ایرانی به حکم یک دادگاه کیفری در مشهد، به جرم اعتراض به اقدام عباس تبریزیان در سوزاندن این مرجع معتبر پزشکی، هر کدام به تحمل ۶۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

پرفسور عظیم اکبرزاده خیای متخصص بیوشیمی بالینی، درباره تاثیر زهر زنبور عسل بر درمان کرونا، ادعا کرد: «با زهر زنبور عسل می‌توان کرونا را درمان کرد.»

رئیس سازمان پدافند غیرعامل حکومت اسلامی ایران گفت، به‌طور قطع نمی‌شود گفت کرونا یک سلاح بیولوژیک است، اما بخش زیادی از ویژگی‌های یک سلاح بیولوژیک را داراست. پیش‌تر هم یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، شیوع کرونا را «حمله بیوتروریستی» علیه ایران و چین دانسته بود. چند تن دیگر از مقامات ایران هم اظهارات مشابهی در مورد منشاء این ویروس داشته‌اند.

سخن‌گوی سپاه پاسداران گفته درباره وسیله‌ای که به عنوان یک دستگاه ویروس یاب فوری از راه دور نشان داده شده اطلاعات بیشتری ارائه خواهد شد و خواهان آن شده که درباره آن قضاوت "شتاب‌زده" نشود.

سپاه و تلویزیون رسمی ایران در حالی این ویروس‌یاب ادعائی را بدون بررسی و تأیید وزارت بهداشت یا هر مرجع علمی مستقل دیگر نمایش داده‌اند که نهادهای بین‌المللی و مراجع پزشکی مستمر درباره اخبار جعلی و درمان‌های سنتی و ساختگی در مواجهه با شیوع ویروس جدید کرونا هشدار می‌دهند.

حسین سلامی فرماندهی کل سپاه پاسداران، شخصا ویروس‌یاب ادعائی «مستعان ۱۱۰» را نمایش داده است. سلامی درباره نحوه عملکرد آن گفته است: «ویروس را داخل خشاب دستگاه می‌گذارند و میدان مغناطیسی که این ویروس ایجاد می‌کند باعث می‌شود که این آنتن هرکجا که ویروس مشابهی را پیدا کند، در شعاع صد متری به سمت آن حرکت می‌کند و ویروس در آن نقطه شناسائی می‌شود.»

فرمانده سپاه گفته این دستگاه نیازی به گرفتن خون از بیماران احتمالی ندارد و با «ایجاد میدان مغناطیسی و استفاده از ویروس دوقطبی درون دستگاه، هر نقطه‌ای از محیط که تا شعاع ۱۰۰ متر آلوده باشد، آنتن این دستگاه در مقابل آن نقطه قرار می‌گیرد و در عرض ۵ ثانیه می‌تواند نقطه آلوده را کشف کند.»

سخن‌گوی سپاه گفته است: «به زودی فرآیند تولید و مختصات و قابلیت‌های فنی این سامانه تشخیصی غربالگر با حضور اصحاب رسانه توسط متخصصین مرجع تشریح خواهد شد.» اما مدتهاست که از این ادعا می‌گذرد اما هنوز سپاه هیچ خبر دیگری از این دستگاه به جامعه نداده است.

اما انجمن فیزیک ایران، درباره خبر ردياب کرونا از راه دور گفته: «این ادعا آن‌قدر از علم دور است که انجمن فیزیک ایران آن را در مجموعه ادعاهای شبه علم دسته‌بندی می‌کند.»

سیما سادات لاری درباره وضعیت استان قم بیان کرد: «اولین موارد بیماری در استان قم شناسایی شد. با تلاش کادر بهداشت و درمان و همکاری مردم، از فروردین ماه امسال شاهد روند نزولی ابتلا و بستری در این استان بودیم، اما از خرداد ماه این روند کاهشی متوقف شد و در ۶ هفته گذشته شاهد روند صعودی بیماری در این استان هستیم.»

لاری ادامه داد: «در حال حاضر وضعیت استان قم از نظر شیوع کرونا قرمز است و قطعاً عادی‌انگاری و عدم رعایت پروتکل‌ها در ایجاد این وضعیت مؤثر است. استفاده از ماسک در استان قم و در اماکن و مراکز عمومی ۶۶ درصد، در واحدهای صنفی ۶۲ درصد، در واحدهای صنفی ۷۵ درصد، در وسایل نقلیه عمومی درون شهری و برون شهری ۶۷ درصد و بین کارکنان اداره‌ها با بیش‌ترین مقدار یعنی ۸۵ گزارش شده است.»

انستیتو پاستور ایران، روز پنج‌شنبه ۱۶ مرداد با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که «تأثیر نیش زنبور عسل بر درمان کرونا تأیید نشده است.» روابط عمومی و امور بین‌الملل انستیتو پاستور با انتشار بیانیه‌ای نوشت: «اخیراً فردی به نام عظیم اکبرزاده خیاوی، کلیبی را در خصوص تأثیر نیش زنبور عسل بر درمان بیماری‌های مختلف از جمله ویروس کرونا در شبکه‌های مجازی منتشر و وابستگی علمی خود را با انستیتو پاستور ایران اعلام کرده است. این فرد عضو هیات علمی بازنشسته این انستیتو بوده و ادعاهای صورت گرفته در این ارتباط، در انستیتو پاستور ایران بررسی شده و مورد تأیید قرار نگرفته است.»

پیش‌تر اکبر زاده خیاوی، با حضور در یک برنامه زنده تلویزیونی ادعا کرد که توانسته فرمول واکسن و درمان قطعی کرونا را بسازد. اکبر زاده گفت: «با توجه به ارتباطی که با زنبورداران مشکین‌شهر و اردبیل داشته‌ام، هیچ‌کندو داری کرونا نگرفته است. با همکاری یکی از دانشجویان خود آزمایش‌هایی انجام دادم که در پی آن زهر زنبور عسل به یکی از بیماران حاد کرونائی تزریق و پس از یک روز کاملاً بهبود یافت. به همه بشریت و ایران عرض می‌کنم که تغل نکنید من حتی فرمول تولید آمپول و واکسن کرونا را هم آورده‌ام. واکسن هم نمی‌تواند برای از بین رفتن ویروس کرونا مؤثر باشد، تنها راه حل درمان قطعی این بیماری زهر زنبور عسل است.»

او ادامه داد: «اگر زهر زنبور عسل در اختیار کارشناسان ما قرار گیرد، می‌توانند ظرف مدت یک ماه داروی مناسب این ویروس را بسازند. این دارو هیچ عارضه‌ای نخواهد داشت و می‌تواند درمانی برای بیماری حاد تنفسی باشد.»

شیخ حسن روحانی رئیس‌جمهوری، ادعا کرده که: «ممنوع کردن عزاداری ماه محرم مردم را مغموم و افسرده می‌کند. باید امسال سلامت مردم و سوگواری را در کنار هم قرار دهیم.» معلوم نیست از کی عزاداری و زنجیرزنی و قمه‌زنی و اشک‌ریختن و ضجه‌زدن با عتق سلام مردم می‌شود؟! »

همزمان با انتشار دستورالعمل برگزاری مراسم محرم مینو محرز، عضو کمیته علمی ستاد ملی مبارزه با کرونا ایران معتقد است «ویروس کرونا جهش پیدا کرده و قدرت سرایت آن حدود ۱۰ برابر شده»، وی همچنین گفت: «قرار است

وزارت بهداشت پروتکل‌هایی را برای برگزاری مراسم ماه محرم ابلاغ کند اما فکر نمی‌کنم ابلاغ این پروتکل‌ها بتواند جلوی انتشار و گسترش کرونا را بگیرد.»

موارد مرگ بر اثر ابتلا به ویروس کرونا و بیماری کوید ۱۹ از میانه خرداد ماه به این سو تقریباً هر روز سه رقمی بوده و در بسیاری از روزها از مرز ۲۰۰ نفر گذشته است.

جمعی از پزشکان و کادر درمانی در نامه‌ای از «مراجع تقلید، علما و روحانیان، مداحان و مبلغان مذهبی سراسر کشور» خواسته‌اند عموم عزاداران را از برگزاری مراسم حضوری پرهیز دهند.

در این نامه که ۱۸ مرداد در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان نظام پزشکی منتشر شد با اشاره به مرگ بیش از ۲۰۰ نفر از کادر درمانی بر اثر ابتلا به کوید ۱۹ ابراز تاسف شده که «در موج جدیدی از ابتلا، شمار قربانیان کرونا در کشور از موج اولیه فراتر رفته است.»

در نامه پزشکان و کادر درمانی تاکید شده: «با وجود همه‌تلاش‌های انجام‌شده و تاکید بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی، برگزاری مجالس و اجتماعات در بسیاری موارد باعث افزایش تعداد مبتلایان و افزایش فوت هم‌میهنان گردیده است.» نویسندگان نامه تصریح کرده‌اند که برگزاری هرگونه اجتماع از جمله مجالس عمومی و راه‌اندازی دسته‌های عزاداری و توزیع غذای نذری «قطعاً و یقیناً» باعث افزایش شمار مبتلایان و مرگ شهروندان خواهد شد.

انجمن‌های پزشکان در این نامه گفته‌اند: «اگر امروز روزانه ۲۰۰ مرگ و ۲۰۰۰ ابتلا ثبت می‌شود، بر اساس برخی پیش‌بینی‌ها در صورت عدم رعایت جدی دستورالعمل‌ها در سه ماه آینده این آمار تا ۱۶۰۰ مرگ در روز هم افزایش خواهد یافت.» به عبارتی آمار قربانیان کرونا در ایران هشت برابر خواهد شد. پزشکان امضاءکننده نامه اعلام کرده‌اند:

«عزاداری و مراسم مذهبی در اجتماعات و گروه‌ها بعلاوه تجمعات بزرگ مثل کنکور بدون رعایت شرایط لازم باید اکیداً ممنوع گردیده بر ممنوعیت آن نظارت جدی و انضباطی اعمال گردد.»

معاون آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی می‌گوید با توجه به افزایش موارد ابتلا به ویروس کرونا و بستری شدن بیماران مبتلا به کوید ۱۹ در روزهای گذشته، شرایط برای کادر درمان «حادثر» شده و موارد ابتلا در میان آن‌ها بسیار زیاد است.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، علیرضا سلیمی چهارشنبه ۱۵ مرداد با اشاره به این که وضعیت در پایتخت بدتر هم شده افزود حدود شش هزار نفر از کادر درمان تهران به کرونا مبتلا شده‌اند و تا کنون ۱۵۰ نفر آن‌ها جان خود را از دست داده‌اند.

این وضعیت در دیگر شهرها و استان‌های ایران نیز متناسب با جمعیت تقریباً به همین شکل است. محمد کریمیان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایلام از ابتلای ۶۵۷ نفر از کارکنان بخش بهداشت و درمان در این استان به بیماری کوید ۱۹ خبر داد.

استان ایلام کمتر از ۶۰۰ هزار نفر و کلان‌شهر تهران مطابق برآوردهای مرکز آمار حدود ۹ میلیون نفر جمعیت دارند. حسین محسن‌زاده، مدیر بیمارستان فوق تخصصی اطفال مشهد به خبرگزاری ایرنا گفته بود از مجموع ۵۰۰ نفر کارکنان این مرکز درمانی ۸۰ نفر به کرونا مبتلا شده‌اند.

سخن‌گوی وزارت بهداشت در نشست خبری ۱۵ مرداد ماه نسبت به خستگی کادر درمان هشدار داد و آن را «یکی از دغدغه‌ها و مسایل نگران‌کننده این روزها» خواند. او از مردم خواست با رعایت توصیه‌های بهداشتی از فشار کار بر روی شاغلان این بخش بکاهند.



معاون کل وزارت بهداشت با بیان این که ۸۰ هزار هیئت در ایران فعالیت می‌کنند گفت هشت هزار ناظر وزارت بهداشت مأمور شده‌اند بر رعایت نکات بهداشتی در مراسم عزاداری نظارت کنند. او همچنین شهروندان را تشویق کرد مطابق شعار «هر خانه یک حسینی» مراسم را در جمع‌های کوچک و خانوادگی برگزار کنند.

ایجاد امکانات درمانی در هر کشوری بر عهده دولت است. در ایران معاون وزارت بهداشت در این باره به مردم هشدار می‌دهد و اما ایرج حریرچی در سخنان چنین اقرار می‌کند: «به مردم هشدار جدی می‌دهم. در کشوری با ۸۴ میلیون نفر جمعیت، ۱۳۰ هزار تخت بیمارستانی داریم. کشورهایی مانند ترکیه چندین برابر ما تخت بیمارستانی دارند. فاجعه در تعداد آی‌سٹیو، به ازای ۱۰۰ هزار نفر است... بیمارستان‌هایمان پر است و چندین ماه است که بیماران دیگر هم مراجعه کرده‌اند.»

بنا بر آماري که معاون وزارت بهداشت داده، در حال حاضر تعداد بستری روزانه به نزدیک ۴۰۰۰ تن رسیده است. او اضافه کرد: «میزان بستری ما، پنج نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است. تا جایی که روندمان صعودی است، موارد مرگ هم صعودی خواهد بود.»

میزان بیماران کرونائی در سنین پائین نیز در حال افزایش است و در حال حاضر افراد ۲۰ تا ۲۹ ساله و حتی سنین کمتر هم بستری می‌شوند. به گفته ایرج حریرچی میزان ابتلای سنین پائین «نسبت به دوره چهار ماهه قبل دو برابر شده است.»

یکی از سیاست‌های دایمی حکومت اسلامی دروغ‌گوئی و پنهان‌کاری است. این سیاست در مورد آمار جان‌باختگان و مبتلایان کرونا نیز صدق می‌کند.

بر اساس آمار ارسال شده آمارهای افشا شده از ایران به رادیو بی‌بی‌سی و رادیو زمانه، تا ۱۵ تیر سال جاری، ۳۵ هزار و ۳۴۴ تن بر اثر کرونا در ایران فوت کردند. شمار مبتلایان نیز ۳۹۳ هزار و ۸۴۱ تن بوده است. اما وزارت بهداشت حکومت اسلامی ایران ۱۵ تیر شمار کل مبتلایان را ۲۴۰ هزار و ۴۳۸ تن و شمار فوت‌شدگان را ۱۱ هزار و ۵۷۱ تن اعلام کرد.

آمار اعلام‌شده از فوت‌شدگان به صورت رسمی، کمتر از یک سوم آمار رسیده به دست این رادیوها است. در اسرائیل، در مدت چند هفته، محله‌های مذهبی‌های ارتدکس به محدودیت‌های وضع‌شده توسط دولت بی‌اعتنایی کردند. از آنجا که این محله‌ها بسیار پرجمعیت بودند، تمرکز جمعیت موجب انواع خطرات برای سراسر کشور شد. در بنی براک، مهم‌ترین شهر مذهبی‌های افراطی (حومه شمال شرقی تل‌آویو)، ۳۵ تا ۴۰ درصد از کسانی که آزمایش شدند مبتلا به ویروس بودند. در بیت‌المقدس، ۷۴ درصد از مبتلایان از محله‌های مذهبی‌های افراطی شهر بودند.

در سن پترزبورگ، مجتمع کلیسائی غازان، هنگام برگزاری نمایشگاهی از اشیاء «مقدس» منسوب به سن ژان باتیست، صدها تن از مسیحیان، این اشیاء که از بیت‌المقدس آمده بود را می‌بوسیدند. با وجود مقررات سخت‌گیرانه قرنطینه، در ۱۲ آوریل مراسمی در کلیسای سن نیکلا دو شاردونه به مناسبت عید پاک برگزار شد.

یاکوو لیتزمن، مذهبی افراطی و وزیر سلامت و بهداشت اسرائیل، که درمورد تداوم قرنطینه تا عید پاک یهودی مورد پرسش قرار گرفته بود، تنها توانست پاسخ دهد که: «ما دعا می‌کنیم و امیدواریم که مسیح پیش از پاک ظهور کند و زمان رهایی ما فرارسد. من مطمئنم که منجی می‌آید و مارا، چنان که (خدا) یهودیان را از مصر خارج کرد، نجات می‌دهد. ما به زودی آزاد می‌شویم و نجات‌دهنده‌مان همه گناهان دنیا را به گردن خواهد گرفت.» نهایتاً خود این وزیر اخیراً به ویروس کووید ۱۹ مبتلا شده و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر و دیگر مسؤولان سیاسی و امنیتی را هم آلوده کرده و ادار ساخت که خود را در قرنطینه قرار دهند.



موارد متعددی از گردهم‌آئی‌های ملی-مذهبی در سراسر دنیا وجود دارد که موجب سرایت هرچه بیشتر ویروس می‌شود.

نباید تعجب کرد که جوامع مذهبیون از پذیرش رفتار احتیاط‌آمیزی بهداشتی خودداری می‌کنند چرا که خرافات مذهبی عقل و شعور انسان را می‌گیرد و انسان به موجود تبدیل می‌کند که باید از عقل‌گرایی و جامعه‌گرایی و طبیعت‌گرایی صرف‌نظر کنند تا باورهایش برآورده شود.

اعتقادات مذهبی منبعی پایان‌ناپذیر از تعبیر و تفسیرها است که ملاحظات سیاسی و فرصت‌طلبی‌های ایدئولوژیک هم به آن افزوده می‌شود.

به‌نظر رالف درولینگ، یک کشیش امریکائی، گروهی که مطالعه انجیل را در پیرامون رئیس‌جمهوری امریکا اداره می‌کند، بحران را «یک آزمون الهی» می‌داند. کووید ۱۹ بیان‌گر «خشم خدا» نه فقط نسبت به امریکا، بلکه امریکائینی است که برخی از آن‌ها به گروه‌های «حفاظت از محیط زیست» روآورده و گرایش به «همجنس‌گرایی» نشان داده‌اند. ریک ویلز، کشیش محافظه‌کار در فلوریدا می‌گوید که شیوع ویروس در کنیسه‌ها «مجازات الهی برای کسانی است که با مسیح مخالفت می‌کنند.» تارنمای او در یوتیوب بسته شده اما پیامش همچنان در حال گردش است.

«سازمان حکومت اسلامی» (داعش)، با آگاهی از خطر ویروس به اعضایش توضیح داده که ویروس «تحت امر و فرمان خدا» است و به آن‌ها توصیه کرده که «به خدا ایمان داشته و به او پناه برند» و در عین حال توصیه‌هایی هم برای اجتناب از آلودگی به ویروس کرده است.

ژائو لیژیان، یک سخن‌گوی وزارت امور خارجه چین با استناد به یک تارنمای توطئه‌انگار، در ۱۲ مارس گفت که ویروس کرونا توسط ارتش امریکا به چین وارد شده است.

ترمپ چین را عامل ویروس کرونا معرفی می‌کند. ادعائی در حاکمیت امریکا وجود دارد که مدعی است: چین اجازه داده ویروس شیوع یابد تا موجب فروپاشی اقتصاد جهانی شود و خود به‌صورت تنها قدرت بین‌المللی درآید.

یک گروه هندو مذهب در هند ویروس کرونا را یک «عذاب» اعلام کرده است. اعضای این گروه در مجموع گوشت نمی‌خورند و خوردن گوشت را نادرست می‌دانند. این گروه به این باور است که به‌خاطر خوردن زیاد گوشت حیوانات در چین، این عذاب نازل شده است.

این گروه هندوان در هندوستان یک مهمانی را با حضور ۲۰۰ تن برگزار کرد و در این مراسم ادرار گاو را برای حفاظت از ویروس کرونا مانند شراب نوشیدند و بعضی چیزهای ساخته‌شده از سرگین گاو را خوردند. این گروه تندرو «آل اندیا هندو یونین» تاکید بر این دارد که گاو مقدس است و به‌همین خاطر سرگین و ادرارش «نه تنها پاک، بلکه مملو از فواید بهداشتی است.»

در حالی که سراسر ایتالیا به‌طور کامل در قرنطینه بود، یک گروه از مردم خواسته شده از خانه خارج شوند و به دیدن دیگران بروند.

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان از کشیش‌ها خواست «جرات به خرج دهند و به ملاقات بیماران بروند.» در تلاش برای توقف انتشار ویروس، کلیساهای کاتولیک در سراسر جهان از غنا گرفته تا امریکا و اروپا روش برگزاری مراسم عشاء ربانی خود را تغییر داده‌اند.

کشیش‌ها به جای گذاشتن نان مقدس روی زبان عبادت‌کنندگان، آن را در دست آن‌ها می‌گذارند و دیگر شراب در جامی که همه به‌طور مشترک از آن می‌نوشند، سرو نمی‌شود.

یکی از کلیساهائی که روش برگزاری مراسم عشا ربانی خود را تغییر نداده، کلیسای ارتدوکس یونان است. آن‌ها برای دادن نان و شراب مقدس همچنان از یک فاشق مشترک برای همه عبادت‌کنندگان استفاده می‌کنند.

نهاد اداره کننده این کلیسا، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «حضور اعضای کلیسا در مراسم عشا ربانی ... به طور قطع نمی‌تواند دلیل انتقال بیماری باشد.» این کلیسا از مومنان درخواست کرد برای توقف انتشار این ویروس مرگبار دعا کنند.

در کره جنوبی یک فرقه مذهبی که از تطبیق دادن مراسم عبادی خود با شرایط امتناع کرده بود، مقصر اصلی در شیوع ویروس کرونا شناخته شد. بیش از نیمی از مبتلایان در این کشور از اعضای یک فرقه فرعی مسیحی به نام کلیسای عیسوی شین‌چانجی بودند.

مسجدالحرام در مکه معمولاً پر از هزاران زائر مسلمان بود، اما با انتشار ویروس کرونا شمار بازدیدکنندگان از مهم‌ترین اماکن مقدس اسلام به شدت کاهش یافته است.

هر چند مسجدالحرام بعد از دوره‌ای تعطیلی به منظور ضدعفونی و پاکسازی، دوباره باز شد اما اطراف کعبه که در مرکز این مسجد قرار دارد حصار کشیده شده تا زائران نتوانند آن را لمس کنند.

حقیقتاً عملکردهای حکومت اسلامی و اظهارنظرهای سران و مقامات و آیت‌الله‌های این حکومت، واقعا انسان را شگفت‌زده می‌کند که آیا واقعا خودشان این قدر جاهل و نادانند که چنین مواضع مسخره‌ای را اتخاذ می‌کنند یا عقل و شعور جامعه را به هیچ می‌گیرند؟!!

سعید حدادیان مداح بیت رهبری و از سردمداران مداحان که نگران بی‌رونق پشت سر ماندن محرم امسال و محروم شدن از بازار این روزها، علیه توصیه‌های بهداشتی در مخالفت با برگزاری محرم گفت:

«حتی اگر بمیریم هم مراسم محرم امسال را باشکوه برگزار می‌کنیم!

\*سعید حدادیان: مراسم محرم امسال را باید با شکوه برگزار کنیم. حتی اگر قرار باشد کسی بمیرد کسانی هستند که بخواهند جان‌شان را برای این مراسم بدهند. اجازه جان ما که دست خودمان است.

\*من امسال با هر شرایطی دسته عزاداری بزرگی از میدان آزادی تا میدان انقلاب به راه می‌اندازم.»

همزمان با حدادیان، آیت‌الله حکومتی «مکارم شیرازی» هم گفت: «ما اصولی داریم که به هیچ وجه نمی‌توانیم آن‌ها را رها کنیم؛ از جمله آن مسأله عزاداری محرم و صفر است. به هیچ قیمت نمی‌توان جلوی برگزاری مراسم عاشورا را گرفت.»

در موج اول کرونا شماری از اعضای کهن‌سال مجلس خبرگان و شورای نگهبان و آیت‌الله‌های حکومتی از جمله همین مکارم شیرازی را با هواپیمای اختصاصی به «کیش» انتقال دادند و در قصر باقی‌مانده از دوران شاه در این جزیره ساکن کردند تا مبادا قربانی کرونا شوند. از موج اول کرونا تا حالا هیچ‌کدام این آیت‌الله‌ها از ترس ابتلا به کرونا در مجامع و حتی دیدارهای چند نفره هم حاضر نشده‌اند و حالا مردم را می‌خواهند بفرستند به مسلخ بازار خرافات محرم‌شان!

شیخ حسن روحانی رئیس‌جمهور حکومت اسلامی، همچنان به برگزاری عزاداری‌های محرم پافشاری می‌کند.

سعید نمکی، وزیر بهداشت در جلسه هم‌اندیشی و هماهنگی مداحان و وعاظ کشور تلویحا اعلام کرد که علی‌خامنه‌ای از او خواسته است که مراسم محرم باشکوه برگزار شود. نمکی گفت:

«از رهبری شنیدیم که فرمودند عزاداری را باشکوه برگزار کنید. تماس گرفتیم که منظورشان از شکوه چیست؟ گفتند به معنای شلوغ کردن نیست. بروید طرحی نو در اندازید که هم آسیب به کسی نرسد و هم یاد کربلا و مصائبش بشود مثل این که مثلا چیزی به مانند گروه های سرود در معابر راه بیندازید.»

هدف نشست وزیر بهداشت با واعظان و مداحان هم انتقال این پیام بود. پیشنهاد های مسؤولان مجالس مدح و وعظ شنیدنی بود: علیرضا پناهیان، از روحانیون تندرو و از شاگردان خامنه ای پیشنهاد داد که در بیابان ها و در حیاط مدارس مراسم عزاداری برگزار شود:

«اگر در فضاهای باز و بیابان ها هم عزاداری کنیم اتفاقا بیش تر شبیه حضرت زینب و اهل بیت علیهم السلام است و چه بسا که جلوه های بیش تری هم برای عزاداری وجود دارد.»

مهدی طائب، برادر حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه گفت:

«من این طور فهمیدم که اگر کسی از ویروس ترسیده باشد آسیب پذیر می شود اما دین مقاومت را بالا می برد.»

مسعود عالی هم در ادامه جلسه تاکید کرد که خداوند ضامن دستگاه امام حسین است و این ویروس هم با دستگاه امام حسین مواجه می شود و خداوند هم به کنترل و نابودی آن کمک می کند.

وزیر بهداشت هم در پاسخ گفت:

«ما پیشنهادمان این است که در یک فضای تعریف شده و بین خانه ها با هر وسعت و گستردگی پرچم مشکی بدهیم و از خانه ها روضه پخش کنیم اما راه افتادن دسته و پیوستن افراد را که توانائی کنترل آن ها را نداریم چیزی است که ذهن ما را به خود مشغول کرده است.»

در این فاصله سازمان تبلیغات اسلامی پیشنهاد داده که عزاداری ها در میادین و پادگان های کشور برگزار شود. تا آن زمان اما مراسم عید قربان هم در راه است. رئیس گروه مدیریت بیماری های قابل انتقال بین انسان و حیوان مرکز مدیریت بیماری های و آگیر وزارت بهداشت با تاکید بر این که ذبح دام به مناسبت عید قربان باید در کشتارگاه های مجاز انجام شود، نسبت به بروز بیماری تب کریمه کنگو هشدار داد و گفت:

«با توجه به این که علائم اولیه در تب کریمه کنگو کاملا مشابه علائم بیماری کووید ۱۹ است این موضوع می تواند تشخیص بیماری را به تعویق بیندازد.»

می بینیم که این وحوش حکومت اسلامی، چگونه با جان و سرنوشت شهروندان بازی می کنند؟!



آیت الله ها مدعی اند همه چیز را خدا آفریده. در مقابل این ادعا این سوال مطرح است که پس خدا را چه کسی آفریده است؟

مسلمانان بلافاصله یک شاهد دارند:

قرآن کریم درباره خدا می‌گوید: «خدا بی‌نیاز است و شما مردم، نیازمندید.»

ضرب‌المثل معروفی است که به روباه گفتند شاهدت کیه؟ گفت: دم!

این ضرب‌المثل در مورد مغرضان یا یاهوگویانی گفته می‌شود که بر صدق سخن خود شخص مغرض یا یاهوگوتر از خود را به شهادت می‌گیرند.

این سؤال درباره موجوداتی مطرح است که مخلوق اند و خداوند آن‌ها را آفریده است. اما درباره خداوند که آفریدگار و خالق همه موجودات است مطرح نیست. مثلاً درباره انسان‌ها، کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها و آسمان و زمین و سایر موجودات چون مخلوق هستند و روزی نبوده‌اند بعد خلق شده‌اند و خداوند آن‌ها را خلق کرده است، به‌همین سادگی می‌توان پرسید که آن‌ها چگونه به وجود آمده‌اند و چه عوامل و شرایطی در موجود شدن آن‌ها نقش داشته است؟

اما درباره خداوند این سؤال جا ندارد که کسی بپرسد خدا چگونه به‌وجود آمده است؟ به‌دلیل این که آن سؤال اصلاً مربوط به موجوداتی است که مخلوق اند و خالق دارند و روزی نبوده‌اند بعد خلق شده‌اند. اما خداوند چون مخلوق کسی نیست و خالق ندارد و همیشه بوده و همواره وجود دارد؛ بنابراین سؤال از چگونه به‌وجود آمدن او بی‌معناست! حتی شک در مورد خدا در نزد مسلمان و حاکمان اسلامی جرم مرگ دارد.

قرآن، کتاب آسمانی دین اسلام. به باور مسلمانان، قرآن کلام خداوند است که به‌وسیله جبرئیل به پیامبر اسلام، وحی شده است. آنان محتوا و الفاظ آن را نازل‌شده از سوی خداوند می‌دانند؛ همچنین معتقدند قرآن معجزه و نشانه پیامبری حضرت محمد و آخرین کتاب آسمانی است. این کتاب بر معجزه‌بودن خود تاکید کرده و دلیل اعجازش را آن دانسته است که کسی نمی‌تواند مانند‌ی برای آن بیاورد.

قرآن، نخستین بار در غار حراء، واقع در کوه ثور به پیامبر اسلام، وحی شد. دیدگاه مشهور این است که آیات آن، هم از طریق فرشته وحی و هم بدون واسطه و به‌صورت مستقیم، بر پیامبر نازل می‌شده است. به باور بیشتر مسلمانان، نزول قرآن به‌صورت تدریجی صورت گرفته است؛ اما برخی بر این باورند که علاوه بر نزول تدریجی آیات، آنچه قرار بوده است در یک سال بر پیامبر نازل شود، در شب قدر هم یکجا بر او نازل می‌شده است.

آیات قرآن در زمان محمد به‌صورت پراکنده بر روی پوست حیوانات، چوب درخت خرما، کاغذ و پارچه نوشته می‌شد. پس از مرگ محمد، آیات و سوره‌های قرآن توسط اصحاب جمع‌آوری شد؛ اما نسخه‌های بسیاری تدوین شد که در ترتیب سوره‌ها و قرائت، با هم متفاوت بودند. به‌دستور عثمان نسخه واحدی از قرآن تهیه شد و دیگر نسخه‌های موجود را از بین بردند. شیعیان به پیروی از امامان خود، این نسخه را درست و کامل می‌دانند.

قرآن، فرقان، الکتاب و مُصَحَّف از مشهورترین نام‌های قرآن است. قرآن ۱۱۴ سوره و نزدیک به ۶۰۰۰ آیه دارد و به ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب تقسیم شده است. در قرآن، از موضوعاتی چون توحید، معاد، غزوات پیامبر اسلام، داستان‌های انبیاء، اعمال شرعی دین اسلام، فضایل و رذایل اخلاقی و مبارزه با شرک و نفاق، سخن به میان آمده است.

تا قرن چهارم قمری، قرائت‌های گوناگونی از قرآن، میان مسلمانان، رواج داشته است. وجود نسخه‌های متفاوت از آن میان مسلمانان، ابتدائی‌بودن خط عربی، وجود لهجه‌های مختلف و اعمال سلیقه قاریان، از عوامل اختلاف قرائت بوده است. در این قرن، هفت قرائت از میان قرائت‌ها برگزیده شد. قرائت شایع از قرآن در میان مسلمانان، قرائت عاصم با روایت حفص است.

نخستین ترجمه کامل قرآن به زبان فارسی، در قرن چهارم قمری و به زبان لاتین، در قرن ششم قمری (دوازدهم میلادی) نوشته شده است. این کتاب نخستین بار در سال ۹۵۰ق(۱۵۴۳م)، در ایتالیا به چاپ رسید. اولین چاپ آن توسط

مسلمانان، در سال ۱۲۰۰ق، در سن پیتربورگ روسیه صورت گرفت. ایران قرآن را در سال‌های ۱۲۴۳ق و ۱۲۴۸ق، چاپ کرد. قرآنی که امروز با نام عثمان طه شناخته شده، بر پایه چاپ مصر، است.

حتی کسی همچون عبدالکریم سروش نیز به قرآن شک کرده است. مدت‌ها پیش عبدالکریم سروش در مصاحبه‌ای با «بی‌بی‌سی» ضمن اشاره به مواردی در قرآن - از جمله بدرفتاری با زنان - گفت که نمی‌توان پذیرفت که قرآن (یا دست‌کم چنین مواردی) کلام خدا باشد. از نگاه سروش قرآن رویاهای تالیف شده محمد است و به‌عنوان زبان رویا نیازمند تعبیر و تفسیر است. او در ادامه می‌افزود که کل دیانت اسلام نهایتاً محصول رویاها و افکار فردی به‌نام محمد است که در بستر یک جغرافیا و شرایط معین تاریخی بار آمده و از آن تأثیر پذیرفته است. با این سخن، سروش کل اسلام را «محمدی» یا در واقع پدیده‌ای کاملاً زمینی و منحصر به‌وجود فردی به‌نام محمد، می‌خواند.

پس از مرگ محمد اختلافات ناشی از نسخه‌های متفاوت «قرآن»، بالا گرفت و بعضاً انشقاق و درگیرهائی میان اعضای جامعه اسلامی را موجب شد که توانسته بود با وجود جوانی پس از فتح سرزمین‌های ایران ساسانی و بیزانس، امپراتوری و دین جدیدی را در رقابت با مسیحیت و زرتشتی‌گری پایه بگذارد.

بر پایه روایات اسلامی قریب سی سال پس از مرگ محمد، عثمان بن عفان، سومین خلیفه مسلمانان، نگران از این شکاف‌ها و منازعات و تأثیر مخرب آن‌ها بر قدرت جدید اعراب تصمیم گرفت نسخه واحد و رسمی قرآن را تدوین کند و کلیه نسخه‌های قدیمی آن را بسوزاند. با این حال، هنوز قدیمی‌ترین متن شناخته شده قرآن به دویست سال بعد از وفات محمد یعنی به دوره امویان بازمی‌گردد.

معروف است که عثمان کمیته‌ای را به ریاست «زید بن ثابت» مأمور تدوین قرآن کرد و از حفصه دختر عمر و همسر محمد خواست تا «مصحفی» را که پیش‌تر «زید بن ثابت» برای او تهیه کرده بود، در اختیار کمیته تدوین قرآن بگذارد. اگر چه پس از تدوین نسخه عثمانی قرآن، نسخه حفصه به نشانه احترام به بیوه محمد به او بازگردانده شد، اما، پس از مرگ حفصه این نسخه نیز نابود شد، هر چند روند یک‌دست کردن و تهیه متن واحد قرآن هرگز متوقف نشد. آخرین اقدام در این زمینه را علمای مصری در قرن نوزدهم میلادی انجام دادند که حاصلش قرآنی است که امروز در دست است...

به‌گفته شیعیان اقدام عثمان، در زمان خود او با مخالفت‌های جدی از جمله از سوی علی‌ابن ابی‌طالب و ابن مسعود (یکی دیگر از حافظان قرآن) روبه‌رو شد. به گواه «تاریخ طبری» ابن مسعود به عثمان خرده گرفته بود که او «قرآن را که شامل چند جلد بوده به یک جلد کاهش داده است.» فرزند عمر (عبدالله ابن عمر) که ظاهراً مسلمانی زاهد و متعصب بود، خطاب به عثمان گفته بود: «به هیچ‌کس اجازه نده که به تو بگوید که کل قرآن را می‌داند. چگونه می‌توان کل قرآن را دانست؟ بسیاری از بخش‌های آن برای همیشه از بین رفته است.»

به‌گفته آیت‌الله حسین مدرسی حتی شخصیت‌های مورد قبول اهل سنت از جمله معتزله و خوارج سه قرن پس از وفات محمد، همچنان قرآن تهیه شده توسط عثمان را زیر سؤال می‌بردند و در این بین خوارج سوره دوازدهم این نسخه را کاملاً جعلی می‌دانستند. با این حال، سخت‌ترین اظهارات مبنی بر جعلی بودن قرآن ریشه در خود منابع شیعی دارد که می‌گفتند علی‌ابن ابی‌طالب تنها صاحب نسخه کامل وحی بوده و نسخه او که توسط عثمان کنار گذاشته شد به‌مراتب حجیم‌تر از نسخه‌ای است که به دستور خلیفه سوم مسلمانان نوشته شد. اما، تبعات ویران‌گر این ادعا باعث شد که عاقبت شیعیان نیز از این نظر دست بکشند و قرآن تهیه شده به دستور عثمان را به‌عنوان نسخه مرجع به رسمیت بشناسند.

در حیات محمد تنها بیست درصد قرآن آن‌هم در روایات گوناگون و متضاد نوشته شده بود. و کسانی که به‌دستور عثمان یا امویان وظیفه نگارش قرآن را برعهده گرفتند این کار را در بی‌نظمی مطلق انجام دادند. آنان برخی آیات به‌اصطلاح

مکی را در میان آیات مدنی گنجانند (و بالعکس) و متن قرآن را با بلندترین آیات آغاز کردند و تدریجا با کوتاهترین آن‌ها به پایان رساندند و همین کلیه تلاش‌ها برای زمان‌بندی و بررسی تاریخی قرآن را عملاً ناممکن ساخت.

در قرآن کوچک‌ترین اشاره روشنی به زندگی محمد نمئیابیم. هیچ مستند تاریخی درخور توجه‌ای درباره زندگی محمد و یا اسلام اولیه در قرآن دیده نمی‌شود. خارج از خود قرآن، نخستین و شناخته شده‌ترین زندگی‌نامه محمد را ابو محمد ابن هشام الحمیری (معروف به ابن هشام) دویست سال پس از وفات محمد و بر پایه متنی قدیمی‌تر به قلم مورخ عرب ابن اسحاق تهیه کرد، هر چند متن خود ابن اسحاق نیز دست کم صد و بیست سال پس از وفات محمد نوشته شده است.

قرآن از طرح رویدادها و جزئیات تاریخی پرهیز می‌کند و به این خاطر متنی بسیار ساکت در خصوص داده‌ها و رویدادهای تاریخی و جغرافیایی زمان خود است. از این منظر و در قیاس با کتب عهد عتیق و عهد جدید قرآن متنی بی‌بستر و تاریخی فقیر است. در قرآن فقط یک بار به بیزانس (الروم) اشاره شده و هرگز نامی از ایران ساسانی برده نشده است، هر چند ایران ساسانی مهم‌ترین قدرت ملموس و صاحب نفوذ در عربستان دوره محمد بود.

زبان قرآن - پیش از آخرین پیرایش آن توسط علمای مصری در سده نوزدهم - گویش قبایل مکه سده هفتم میلادی است و با آنچه به‌عنوان زبان کلاسیک عربی شناخته می‌شود کاملاً بیگانه است. زبان عربی کلاسیک برای اولین بار در عراق و در جریان سده هشتم میلادی توسط روحانیان و دیوانیان ایرانی ساخته شد که به خدمت اعراب درآمده بودند و علاوه بر اداره امپراتوری آنان ناگزیر بودند زبان عربی را به‌خوبی فراگیرند و حتی برای نخستین بار فرهنگ لغات و دستور زبان آن را نیز تدوین کنند. با این حال، این زبان، برای فهم قرآن ساخته نشده بود، همان‌طور که زبان عربی مدرن در اواخر سده نوزدهم پیش‌تر برای آموزش و تبلیغ ناسیونالیسم عربی در مدارس ابداع شد.

تنها در دوره عبدالملک بن مروان، پنجمین خلیفه اموی (یعنی در سال‌های ۶۸۵ و ۷۰۵ میلادی) اعراب توانستند پس از فتح سرزمین‌های ایران و بیزانس، اسلام را به مثابه دین جدید تثبیت کنند. در این دوره برای اولین بار از محمد نام برده شده و به‌نام او به‌عنوان «خاتم الانبیاء» به شیوه ساسانیان سکه ضرب شد. در همین دوره مسجدالاقصی به روی عبادت‌گاه سلیمان بنا گشت تا برتری اسلام نسبت به مسیحیت و یهودیت با عبارت «لااله الا الله محمد رسول الله» اعلام شود. (شیعیان بعداً به این عبارت «علی ولی الله» را افزودند)

در اوایل قرن گذشته «پل کازانووا»، مستشرق فرانسوی، نوشته که قرآن در دوره امویان و مشخصاً در دوره خلافت عبدالملک بن مروان نوشته شد که در همکاری با «الحجاج»، والی عراق، و به‌منظور ایجاد یک پارچگی دینی حول قدرت مرکزی امپراتوری اسلامی نخستین نسخه رسمی و مرجع قرآن را تدوین کرد.

پل کازانووا، حتی معتقد بود که در این اقدام عبدالملک بن مروان نخستین کسی بود که افسانه نسخه عثمانی قرآن را ابداع کرد تا به این ترتیب نخستین خلیفه سلسله بنی‌امیه را به‌عنوان گردآورنده قرآن معرفی کند.

پیرو این ملاحظات برخی مورخان حتی بعید ندانستند که شخصیتی به نام محمد افسانه‌ای بوده باشد که خلفای بنی‌امیه در رقابت با مسیح ابداع کردند، خاصه این‌که هیچ سند باستان شناسانه یا کتیبه شناسانه‌ای در تأیید شخصیت تاریخی محمد در دست نیست. مسجد بصری (معروف به مسجد عمر) که به فاصله اندکی پس از مسجدالاقصی و به‌دستور عمر بن الخطاب خلیفه دوم مسلمانان ساخته شد کمترین اشاره و ارجاعی به محمد ندارد و تا پیش از قرن هشتم میلادی سند و نوشته قابل اعتنائی درباره زندگی محمد مشاهده نشده و اولین زندگی‌نامه او پس از دو قرن سکوت نوشته شد.

برخی مطالعات تاریخی اواخر دهه ۱۹۷۰ نشان می‌دادند که ادعاهای مسلمانان نه فقط درباره زندگی محمد، بلکه در خصوص آغازهای اسلام ابداعاتی بوده‌اند که با فاصله زمانی بسیار طولانی ساخته و پرداخته شده‌اند به‌طوری که در

قدیمی‌ترین اسناد اسلامی سخنی از محمد به میان نیامده و اولین اشارات به او ۵۵ سال پس از مرگ او صورت گرفته است. این استدلال بعضاً ریشه در کشف برخی اسناد تاریخی دارد که در همین دوره به‌دست آمد.

در جریان بازسازی سقف مصلاهی قدیمی صنعا در سال ۱۹۷۳ مقادیر قابل توجه‌ای اسناد و دست‌نوشته‌های مربوط به نخستین سال‌های تولد اسلام از جمله نسخه‌های ناشناخته‌ای از «قرآن» به خط حجازی کشف شد که همگی به نیمه دوم قرن هفتم میلادی یعنی بین بیست تا پنجاه سال پس از وفات محمد تعلق داشتند.

در این «کشف معجزه‌آسا» روی هم چهل هزار قطعه از بیش از هزار «مصحف» و بیست و دو دست‌نوشته به خط حجازی به دست آمد. دست‌بندی و بازخوانی این متون را مستشرقان المانی دانشگاه «زاربروکن» برعهده گرفتند که سریعاً به تفاوت‌های فاحش متون کشف شده با متن شناخته شده قرآن پی بردند.

این تفاوت‌ها به وضوح نشان می‌دادند که از نگاه نخستین مسلمانان، قرآن در اصل گفته‌های خود محمد بوده که بعدها توسط دیگران به‌عنوان وحی و به سبکی غیرمستقیم در قالب احکام و فرامین الهی نوشته شدند. برای نمونه، در متن رسمی قرآن به آیاتی برمی‌خوریم که در آن‌ها «الله» با به‌کارگیری وجه امری خطاب به محمد می‌گوید: «بگو» (قول)، در حالی که در نسخه‌های به‌دست آمده از مصلاهی صنعا همه جا در وجه اخباری می‌خوانیم: «او (محمد) می‌گوید (قال)». از دیگر نمونه‌های تاریخی همین دست اختلافات آیه‌ای است که از قول محمد بر گنبد مسجدالاقصی نقش بسته است...

سال‌ها پیش از کشف نسخه‌های مصلاهی یمن، ماکسیم رودنسون، مورخ و مستشرق فرانسوی، در کتاب معروف خود به‌نام محمد نوشته بود که از نگاه نخستین مسلمانان محمد یک «کاهن» بود که نمونه‌های فراوان آن در میان قبایل یهودی و مسیحی هم عصر او چه در شبه جزیره عربستان چه خارج از آن مشاهده می‌شد. نویسنده کتاب محمد تصریح می‌کرد که خدیجه، همسر محمد، نخستین کسی بود که با مشاهده ناخوشی‌ها، «الهامات» و رویاهای محمد او را با پسر عموی خود، ورقه بن نوفل، از حنفا و کاهنان یهودی مورد احترام قبیله قریش که نسبتی نیز با مادر محمد داشت آشنا کرد. در این ملاقات ورقه بن نوفل پس از شنیدن «الهامات» محمد و مشاهده احوال او تأیید کرد که محمد نیز از کاهنان است.

ماکسیم رودنسون در همان کتاب زندگی‌نامه محمد افزوده است: «عربستان پیشااسلامی شاهد چنین افرادی بود. برای نمونه، شاعران عرب خود را الهام گرفته از ارواح پنهان می‌دانستند. پیش‌گویان یا کاهنان (که در واژه عبری «کوهن» به‌معنای روحانی در نزد یهودیان ریشه داشت) از همه بارزتر بودند. کاهنان همگی ریاضات و خیالاتی داشتند و از ارواح آشنا به‌عنوان همدم، دوست و «غیب‌گو» یاد می‌کردند: کسانی که با دهان کاهنان با آدمی‌زادگان سخن می‌گفتند. این استعداد، منشاء زمزمه‌های نامفهوم یا جملات کوتاه، منقطع، آهنگین و مملو از سوگند در نزد کاهنان بود که در رویاها و خیالات خود سیارات، شب، سحر، گیاهان و جانوران را در آهنگی نفس‌گیر گواه می‌گرفتند و شنوندگان خود را تحت تأثیر قرار می‌دادند. هنگامی که کاهنان این‌گونه پیش‌گوئی می‌کردند خود را با عبائی می‌پوشاندند. کاهنان شخصیت‌های محترمی بودند که مردم از آنان جهت مشورت در امور عمومی و خصوصی و دریافت پیامی از غیب یاری می‌طلبیدند. محمد وجوه مشترک بسیاری با کاهنان داشت و معاصرانش بر این موضوع کم تأکید نکرده‌اند. بعید نیست که وضعیت جسمانی و روحی او از نوع کاهنان بوده باشد. همانند کاهنان، محمد دچار بحران‌های عصبی می‌شد و قادر بود اموری را ببیند، بشنود و احساس کند که به حواس دیگر انسان‌ها راه نمی‌افتند. ای بسا، نارضایتی عمیق محمد که منشاء و نتیجه طبیعت او در سنین چهل سالگی بود به تقویت استعدادهای وی یاری رسانده بود. اما، از آنجا که او از شخصیتی به‌مراتب غنی‌تر و قوی‌تر از کاهنان عادی برخوردار بود، این نارضایتی او را به تأمل نیز وامی‌داشت. به موازات تبعات طبیعت ذاتی و تاریخ شخصی عصبی او نوعی پرورش فکری کیفی نادر نیز در نزد محمد وجود داشت.»



همچنین می‌توان رجوع کرد به اثری که به تازگی در سه هزار صفحه و سه جلد تحت عنوان قرآن مورخان (Le Coran des historiens) به سرپرستی محمدعلی امیر-معزی و «گیوم دای» توسط انتشارات «گالیمار» در فرانسه منتشر شده است. این اثر دربرگیرنده آثار سی پژوهش‌گر جهانی در زمینه تکوین تاریخی، جغرافیایی و مذهبی قرآن است.

فیلسوف معروف انگلیسی «برتر اندر اسل» در یکی از کتاب‌هایش تصریح می‌کند که:

«در جوانی به‌خداوند عقیده داشتم و بهترین دلیل بر آن را برهان *علة‌العلل* می‌دانستم و این‌که تمام آن‌چه را در جهان می‌بینیم دارای علتی است. و اگر زنجیر علت‌ها را دنبال کنیم سرانجام به‌علت نخستین می‌رسیم و این نخستین علت را «خدا» می‌نامیم.

ولی بعداً به‌کلی از این عقیده برگشتم زیرا فکر کردم «اگر هر چیز را باید علت و آفریننده‌ای باشد «خدا» نیز باید علت و آفریننده‌ای داشته باشد!» آیا راه‌حلی برای اشکال این فیلسوف وجود دارد؟

از طرفی دانشمندانی مانند استیون هاوکینگ و ریچارد داوکینز، که اولی یک فیزیکدان نظری و دومی یک زیست‌شناس فرگشتی است، هر کدام با استفاده از حوزه تخصصی خود، وجود خداوند را رد می‌کنند.

استیون هاوکینگ، کیهان‌شناس و فیزیکدان نظری برجسته بریتانیایی، در اظهار نظری جدید با قطعیت و یقین اعلام کرد که «خدائی وجود ندارد.»

به‌گزارش وب‌سایت «سی‌نت»، سابق بر این و بر پایه نوشته‌های پیشین هاوکینگ تصور بر این بود که این نابغه جهان معاصر در پهنه اندیشه خود روزه‌های هر چند کوچک را برای وجود نوعی الوهیت باقی گذاشته است.

با این همه، این پژوهش‌گر و نویسنده سرشناس اینک در اظهار نظری، در گفت‌وگو با نشریه «ال موندو» چاپ اسپانیا تصریح کرده است که به باور وی «ال موندو حاصل پدیده‌های علمی قابل توضیح است.» توضیح آن که «ال موندو» در زبان اسپانیایی به‌معنای «جهان» است.

هاوکینگ این بار آشکارتر از همیشه در پیشگاه جهانیان می‌گوید که پیدایش جهان هستی نتیجه اعجاز و آفرینش به دست یک وجود برتر نیست.

این کیهان‌شناس نابغه در بخشی از مصاحبه فوق با «ال موندو» گفت: «طبیعی است که پیش از درک دانش به خلق هستی به دست یک خداوندگار باور داشته باشیم. اما اکنون و در این عصر، دانش توضیحی مجاب‌کننده‌تر در اختیار ما قرار می‌دهد.»

خبرنگار «ال موندو» در ادامه باز از نظریه پیشین هاوکینگ در کتاب «تاریخچه مختصر زمان» مبنی بر «کمک دانش به درک اندیشه خداوندگار توسط بشر» پرسیده است.

هاوکینگ در پاسخ توضیح داد: «منظور من در آنجا این بود که اگر بر همه چیز عالم شویم، به درک اندیشه خداوند نیز نائل خواهیم آمد، با این قید که اساساً خدائی وجود داشته باشد، که این چنین نیست. من خداناباور هستم.»

هاوکینگ در ادامه افزود: «دین به معجزه باور دارد، اما چنین رخدادهایی با علم ناسازگارند.»

با وجود باور این دانشمند پرآوازه بسیاری در سراسر جهان همچنان به وجود خدا باور دارند. برای نمونه، بسیاری با تدقیق در چشم آدمی به تفکر فرو می‌روند که اگر نبود وجود یک خداوند دانا و توانا پدید آمدن «این گلوله چربی» را چگونه می‌توان از دیدگاه علمی توضیح داد.

با این همه هاوکینگ بی‌اعتنا به چنین نظراتی چندی بود که در عالم اندیشه به سوی اعلام حکم قاطع خود در باب نیستی خدا حرکت می‌کرد.

هاوکینگ - که مدیر مرکز کیهان‌شناسی نظری دانشگاه کمبریج در بریتانیا نیز هست - طی یک سخنرانی معروف خود توضیح داد که جهان هستی چگونه بدون وجود خدا به وجود آمده است: «خدا پیش از این خلقت مقدس چه می‌کرده؟ آیا در تدارک دوزخ برای مردمی بوده که چنین پرسش‌هایی دارند؟»

فیزیکدان نظری بریتانیایی همچنین به «ال موندو» گفت: «به‌منظر من، و رای دسترس ذهن بشر هیچ بُعدی از واقعیت وجود ندارد.»

استیون هاوکینگ پیش‌تر در سال گذشته نیز در حاشیه اکران فیلم مستندی درباره زندگی خود گفته بود که حیات پس از مرگ «افسانه» است؛ وی در عین حال زندگی ابدی بشر را از طریق «کپی کردن مغز بر روی رایانه» ممکن دانسته بود.

این نخستین بار نیست که هاوکینگ در دنیای رسانه‌ها حضور پیدا می‌کند. پیش‌تر کتاب او به نام «تاریخچه مختصر زمان» جزء پرفروش‌ترین‌ها شده است و شخص هاوکینگ نیز در سریال‌های تلویزیونی «پیش‌تازان فضا»، «خانواده سیمپسون» و سریال کمدی «بیگ‌بنگ تئوری» در نقش خود ظاهر شده است.

زمین حدود ۵/۴ میلیارد سال پیش از سحابی اولیه‌ای که خورشید و کل منظومه شمسی را به وجود آورد، تشکیل شد. زمین جوان اصلاً شبیه به زمین زیبای امروزی ما نبود. زمین جهنمی مذاب بود که دائماً توسط سنگ‌های آسمانی بمباران می‌شد. حتی طبق فرضیه‌ای قدرتمند، اندک زمانی پس از شکل‌گیری زمین، سیاره‌ای به اندازه مریخ به زمین برخورد کرد و با پخش کردن مواد پوسته زمین در فضا، باعث به وجود آمدن ماه شد. با این حال شواهد نشان می‌دهند که تنها چند میلیون سال پس از پیدایش زمین، سر و کله اولین موجودات زنده پیدا شد. این موجودات زنده چگونه به وجود آمدند؟ آیا آن‌ها به ناگهان از مواد شیمیایی و عناصر موجود روی زمین پیدا شدند؟ آیا سنگ‌های آسمانی که به زمین برخورد می‌کردند از جایی دورست در فضا موجودات زنده را به زمین آوردند؟ این‌ها پرسش‌هایی‌ست که علم تجربی سال‌هاست به دنبال یافتن پاسخ آن‌ها علمی می‌گردد.

نشانه‌های حیات باستانی را می‌توان در غرب گرینلند مشاهده کرد. بعضی از صخره‌های موجود در غرب گرینلند از نظر زمین‌شناسی فوق‌العاده با ارزش هستند و قدمت آن‌ها به ۳/۷ تا ۳/۹ میلیارد سال پیش می‌رسد. قطعاً این صخره‌ها آن قدر قدیمی هستند که هیچ فسیلی از موجودات زنده در آن‌ها باقی نمانده است. با این حال دانشمندان آن‌جا چیزی عجیب‌تر، یعنی ردپای شیمیایی میکروب‌های باستانی پیدا کردند. آن‌ها در این صخره‌ها ایزوتوپ‌هایی از کربن پیدا کردند که توسط موجودات زنده به وجود می‌آیند. بنابراین نتیجه گرفتند که زمان به وجود آمدن این صخره‌ها یعنی ۳/۸ میلیارد سال پیش، در این منطقه حیات وجود داشته است. البته پژوهش‌های دقیق‌تر در صخره‌های پر از کربن، پیشینه حیات را حتی تا ۴ میلیارد سال هم عقب می‌برد.

ولی شرایط خیلی سخت و برخورد‌های عظیم سیارکی در زمین اولیه این فکر را به ذهن دانشمندان آورد که شاید حیات اصلاً روی زمین شکل نگرفت؛ بلکه توسط همان سنگ‌های آسمانی از فضا به زمین آمد. اکنون می‌دانیم که در دوردست‌های منظومه شمسی منطقه‌ای پر از سنگ‌ها و صخره‌های کوچک و بزرگ به نام کمر بند کوئپر وجود دارد که از ۴/۵ میلیارد سال پیش و زمان تشکیل منظومه شمسی باقی مانده است. گاهی اوقات راه بعضی از این سنگ‌ها به داخل منظومه شمسی کج می‌شود و خیلی اتفاقی، بعضی از آن‌ها به سطح زمین برخورد می‌کنند. در سال ۱۹۶۹ یکی از این سنگ‌ها در استرالیا فرود آمد. دانشمندان بعد از بررسی دقیق این سنگ متوجه شدند که در آن مولکول‌های آمینواسید وجود دارد. این اولین بار بود که در یک سنگ فضائی می‌توانستیم چنین مولکولی پیدا کنیم. اگر چنین سنگ‌هایی در فضا معمول هستند، در ابتدای پیدایش زمین که بمباران خیلی شدید بوده می‌توانستند حجم بسیار زیادی از

مولکول‌های زندگی را روی زمین بیاورند. تا به حال بیش از ۷۰ نوع آمینو اسید در شهاب‌سنگ‌ها پیدا شده است. بسیاری از آن‌ها اجزای اصلی سازنده پروتئین‌ها هستند که در موجودات زنده یافت می‌شوند. به‌خصوص بعضی از دنباله‌دارهایی که در ابتدا به زمین برخورد می‌کردند به اندازه کوه‌های بزرگ اندازه داشتند و می‌توانستند پر از ترکیبات زیستی باشند.

با این حال شدت برخورد این اجرام خیلی زیاد بوده و این ابهام وجود دارد که به هنگام برخورد ممکن است این ترکیبات نابود شده باشند. مثلا در آریزونا ای آمریکا دهانه برخوردی بزرگی به قطر ۱/۲ کیلومتر و عمقی به اندازه یک برج ۶۰ طبقه وجود دارد که بر اثر برخورد یک شهاب‌سنگ در ۵۰ هزار سال پیش به‌وجود آمده است. آنقدر انرژی این برخورد زیاد بوده که همان لحظه تقریبا همه شهاب‌سنگ بخار شده است. وقتی سنگی بزرگ با این انرژی به زمین برخورد می‌کند چه بر سر آمینو اسیدها می‌آید؟

هرچند نمی‌توانیم دقیقا بگوئیم زندگی چگونه به‌وجود آمد، ولی تا حدودی می‌توانیم مکان پیدایش آن را حدس بزنیم. شاید از آنجایی که سطح زمین مرتب بمباران می‌شده و مجالی برای شکل‌گیری حیات باقی نمی‌گذاشته، زندگی جایی زیر زمین گسترش یافته است. مثلا احتمالا بستر اقیانوس‌ها مکان خیلی خوبی برای پناه گرفتن موجودات زنده بوده است. در زمین اولیه فعالیت‌های آتشفشانی خیلی زیاد بوده و مواد شیمیایی مرتب از کف اقیانوس‌ها بیرون می‌زدند. الان هم جاهایی در بستر اقیانوس، پدیده‌هایی به نام «پنجره‌های گرمایی» وجود دارد. یعنی مکان‌هایی که آب گرم و ترکیباتی شیمیایی از منافذی در کف اقیانوس فوران می‌کنند. علی‌رغم عدم وجود نور خورشید، موجودات زنده مختلفی در کنار این پنجره‌ها زندگی می‌کنند. در زمین اولیه حیات می‌توانسته در محیط‌هایی مشابه زنده بماند. مشخص شده بعضی از موجودات زنده‌ای که اکنون در کنار این پنجره‌ها می‌بینیم از نظر ژنتیکی با آن موجودات باستانی قرابت دارند.

تقریبا ۳/۵ میلیارد سال پیش بمباران شدید دنباله‌دارها و سیارک‌ها متوقف شد. اکنون دیگر حیات می‌توانست روی سطح زمین بیاید و نفس راحتی بکشد. وقتی حیات روی سطح آمد توانست از یک منبع انرژی بزرگ، یعنی نور خورشید بهره بگیرد. روی سطح زمین میکروب‌ها دارای کلروفیل و در نتیجه قابلیت فتوسنتز شدند. آن‌ها می‌توانستند نور خورشید را به دام بیندازند و با استفاده از کرین دی‌اکسید و آب، غذا درست کنند. در نتیجه باکتری‌های فتوسنتز کننده توانستند تقریبا بدون محدودیت رشد و تولید مثل کنند. این روشی است که اکنون تمام گیاهان سبز به آن تکیه دارند.

حیات در همه زمین پخش شد. در منطقه‌ای از استرالیا عوارضی وجود دارد که نشانه این تغییر بزرگ هستند. ساختارهای گنبدی شکلی به نام «استروماتولیت» که طی هزاران سال توسط میکروب‌هایی به نام سیانوباکترها ایجاد شده‌اند. سیانوباکترها از نوادگان همان میکروب‌هایی هستند که میلیاردها سال پیش همه سطح سیاره‌ی زمین را اشغال کرده بودند. در استرالیا و مناطقی از جهان می‌توان صخره‌هایی را دید که از ۳،۵ میلیارد سال پیش باقی‌مانده‌اند و فسیل‌های استروماتولیت در آن‌ها دیده می‌شود. فسیل‌های استروماتولیت نشان می‌دهند که دست کم از ۳،۵ میلیارد سال پیش سیانوباکترها وجود داشته‌اند. البته یافته‌های جدید از کشف فسیل‌های استروماتولیت تا ۳/۶ و ۳/۷ میلیارد سال قبل هم خبر می‌دهند.

سیانوباکترها تغییری بزرگ در زمین به‌وجود آوردند. فتوسنتز آن‌ها اکسیژن به‌وجود آورد. اکسیژن تولیدی سیانوباکترها در اتمسفر جمع شد و شکل زمین ما را عوض کرد. آن‌ها میزان اکسیژن اتمسفر را از کمتر از یک درصد به ۲۱ درصد رساندند. این اتفاق حدود ۵۶۰ میلیون سال پیش روی داد. بدون سیانوباکترها اکسیژن وجود نداشت و هیچ‌کدام از حیوانات به‌وجود نمی‌آمدند. اکسیژن همچنین با تشکیل اوزون حیات را از گزند پرتوهای خطرناک فرابنفش خورشید که به DNA آسیب می‌رسانند در امان نگه داشت. به‌دلیل وجود لایه اوزون حالا زندگی فرصت این را داشت

که به موجودات زنده پیچیده‌تر مجال بودن بدهد. موجودات زنده خیلی پیچیده‌ای که می‌توانند از خودشان سؤال کنند، زندگی چگونه به‌وجود آمد!

به این ترتیب می‌توان از دو جنبه به خلقت نگاه کرد. یکی خلقت توسط خداست که قابل اثبات نیست یکی هم خلقت طبیعی است که کاملاً به اثبات رسیده است. از جنبه دینی اگر نگاه کنیم همان‌طور که خداپاوران مدعی‌اند که خدا کامل است، حداکثر کمال را دارد و هیچ هدفی از خلقت ما ندارد. هنوز هم باید بگویند پس چرا ما را آفریده؟ یعنی واقعا این که ما را آفریده که کمال پیدا کنیم و چرا ما را مسؤول کرده و بعداً می‌خواهد ما را ببرد به آن دنیا و محاکمه کند؟ نکته این است که ما یک موجود طبیعی هستیم و طبیعت هم شعور ندارد و همه چیزهایش علت و معلول است و از لحظه بیگ‌بنگ شروع شده. حالا این خلقت کائناتی است و در خلقت زیست‌شناسی کره زمین از نظر فضائی طوری قرار گرفته که موقعیتی پیش آمده و درجه حرارت، وجود آب و مواد معدنی طوری بوده که حیات از سه و هشت‌دهم میلیارد سال قبل شروع شده و نرهنره تکامل پیدا کرده است و کاملاً یک اتفاق فیزیکی بود. آیا مسخره نیست گفته شود خدا طبق گفته‌های تورات و انجیل، کتاب تکوین یا سفر پیدایش یا هر چه که می‌خواهید نام ببرید جهان را در عرض شش روز آفریده است؟ یا این‌که خلقت طبیعی در عرض سیزده و هشت دهم میلیارد سال از بیگ‌بنگ تا لحظه‌ای که الان با هم صحبت می‌کنیم.

بر اساس نظریه بیگ‌بنگ (معادل فارسی آن را می‌بانیگ گذاشته‌اند) و انفجار کیهانی که سبب شده جهان مادی به‌طور تصادفی و ناگهانی به‌وجود بیاید.

جیمز آش اسقف اعظم ایرلند بود که ظاهراً حدود ۵۰ سال از عمر خودش را گذاشت بر سر تاریخ خلقت و تعیین کرد که ساعت شش بعدازظهر روز بیست‌دوم اکتبر چهار هزار و چهار سال قبل از میلاد مسیح آن شش روز شروع شد و خدا تصمیم گرفت در آن روز که خلقت را شروع کند. در شش روز خلقت را تمام کرد. اول زمین را آفرید. تاریخ بود. بعد خورشید را آفرید و نور را آفرید. بعد بهشت و بعد آدم را آفرید و بعد از دنده آدم زن را آفرید و آدم را هم از خاک رس آفرید.

این داستانی خلقتی است که در کتب دینی آمده که در عرض شش روز هست و همه چیز با هم هم‌زمان انجام گرفت و تمام مخلوقات همان هستند که شش هزار سال پیش خلق شدند و به همین جهت تکامل هم معنی ندارد. اما صاحب‌نظران دینی هرگز نتوانسته‌اند توجیه کنند که این آثار حیاتی که در عرض سه و هشت‌دهم میلیارد سال است چه‌طوری خلق شده یا این‌که تاریخ کهکشانی که ۱۳ و هشت‌دهم میلیارد سال است چه‌گونه در عرض شش هزار سال تشکیل شده است. این تناقضی است که در واقع بحث اصلی بین علم و ادیان ابراهیمی است.

اساساً اثبات نفی در علم وجود ندارد. یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند چیزی را که وجود ندارد و قابل اندازه‌گیری نیست؛ اثبات کند که وجود ندارد. به همین جهات اثبات یا نفی وجود خدا کار علم نیست. این کار دین‌داران است که چندین هزار سال هم هست که سعی کرده‌اند اثباتش کنند و هنوز هم مانده‌اند.

باکتری‌های هسته‌دار یا سیانوباکتری‌ها شکل گرفته‌اند که وارد سلول‌ها شده‌اند و گیاهان را درست کرده‌اند و بعد میتوکندری‌ها که باکتری‌ها بودند خودبه‌خود ایجاد شدند، وارد سلول‌های حیوانی شدند، به آن‌ها قدرت مصرف اکسیژن را دادند، و این‌ها دور هم جمع شدند و موجوداتی شبیه اسفنج‌های دریائی را تولید کردند که فقط از تک‌سلولی ساخته شده‌اند ولی دور هم جمع می‌شوند و همین‌طور کم‌کم اعضا و ارگان‌ها پیدا شد و هیچ‌گونه خلقت یک روزه یا یک هزار ساله یا هر چه که در کتاب‌های دینی آمده اتفاق نیفتاده و خلقت تدریجی بوده و بر اساس همان تحول و تکامل داروینی و

همین‌طور هم ادامه پیدا می‌کند. هنوز هم موجودات زنده و ارگانسیم‌های تازه به‌وجود می‌آیند و ارگانسیم‌های قدیمی می‌میرند و این کاملاً بر خلاف برداشت‌های دینی است.

تمام موجودات زنده برای حل مسائل روزمره‌شان که شامل تغذیه و تولید مثل است شعور دارند. انسان حدود صد هزار سال پیش پا به عرصه هستی گذاشت به‌خاطر تکامل مغز و به‌خصوص قشر جلوی پیشانی‌شان، ذکاوت‌های پیچیده‌ای پیدا کرده‌اند.

هزار و چهارصد سال است که قرآن بوده و شاید هم سه‌هزار سال است که کتاب‌های عهد عتیق هستند و مفسران‌شان هم بسیار زیاد بوده‌اند. هر وقت یک ایده تازه علمی پیدا می‌شود مفسران دینی برای این‌که جایگاه‌شان را از دست ندهند شروع می‌کنند کلمات مبهمی را که در قرآن یا تورات هست درمی‌آورند و می‌گویند که این به‌معنای همان انفجار بزرگ یا بیگ‌بنگ است یا این نکته همان تحول داروینی است.

چرا قبل از این‌که داروین این مسأله تحول و تکامل را بگوید هیچ‌کس نیامده بوده از قرآن و تورات و انجیل دربی‌آورد که این خلقتی که گفته شده در یک روز است.

گفته می‌شود حدود هشتاد تا نود درصد اعضای آکادمی علوم امریکا، خداناباور هستند و آن ۱۰ درصد باقی‌مانده هم شکاکند؛ یعنی نتوانسته‌اند باور کنند. یعنی کسی که واقعا به علم فکر می‌کند، نمی‌تواند به داستان‌های اسطوره‌ای و کتاب‌های عهد عتیق که اساس ادیان ابراهیمی است اعتقاد داشته باشد.

اول تک‌سلولی‌ها بوده‌اند، بعد چند سلولی‌ها بوده‌اند، بعد از آن حدود ۵۰۰ میلیون سال پیش دایناسورهای بوده‌اند، بعد اتفاقی نجومی پیش آمده که دایناسورها از بین رفتند و فرصت دادند که بقیه ایجاد شوند. حدود ۱۰ میلیون سال پیش، پیش‌انسان‌ها آمده‌اند، و ذره‌ذره تکامل و تحول پیدا کرده‌اند، چهار میلیون سال پیش نسل انسان‌ها از شامپانزه جدا شد و حدود پنج تا شش نوع پیش‌انسان دیگر به‌وجود آمد تا حدود ۱۰۰ هزار سال پیش که انسان خردمند پا به عرصه وجود گذاشت.

احتمالاً ۶۰ هزار سال پیش یک تحول ژنتیکی در خانواده‌ای در شمال آفریقا پیش آمد که تبدیل شدند به انسان‌های خردمند ایدالتو که اجداد ما هستند که شعور زیادی پیدا کردند و حاضر نشدند در صحرای آفریقا بمانند و مهاجرت کردند. از ساحل عربستان آمدند به بین‌النهرین و از آنجا منتقل شدند، عده‌ای به آسیا و عده‌ای بعدتر به اروپا رفتند و ذره‌ذره هم نئاندرتال‌هایی که آنجا بودند را کشتند و حدود سی تا چهل هزار سال پیش تقریباً تثبیت شدند.

حدود ۲۰ هزار سال پیش اولین گروه آن‌ها به قاره امریکا رفتند، آن‌ها از بین رفتند و حدود ۱۰ هزار سال پیش گروه دوم آمدند، و سرخ‌پوستان را تشکیل دادند و بالاخره ذره‌ذره جمعیت بشر زیاد شد و به‌خاطر شعوری که پیدا کرد توانست بر همه جهان غلبه پیدا کند.

پنج آیه اول سوره ۶۶ قرآن می‌گوید:

«ای پیامبر چرا برای خشنودی همسرانت، آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده، حرام می‌کنی؟ خدا آمرزنده است. قطعاً خدا راه صرف‌نظر کردن از سوگندهایتان را مقرر داشته و او دانای حکیم است. و چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت و همین که وی آن را به زن دیگر گفت و خدا پیامبر را بر آن مطلع گردانید. پیامبر از بخشی از آن اعتراف کرد و بخشی دیگر را اعراض کرد و چون مطلب را به آن زن گفت. زن گفت چه کسی به تو خبر داده؟ پیامبر گفت مرا آن دانای آگاه خبر داده است. به درگاه خدا توبه کنید که دل‌های‌تان انحراف پیدا کرده. اگر علیه او به یکدیگر کمک کنید، خدا خود سرپرست محمد است. و جبرئیل و مومنان صالح و حتی فرشتگان نیز یارو اویند. اگر پیامبر شما را

طلاق دهد، امید است که خدایش همسرانی بهتر از شما، مومن، فرمانبردار، توبه کار، روزه دار و دوشیزه به او عوض دهد.»

غیرممکن است که از این آیات بفهمیم که خدا چه چیزی را برای محمد حلال کرده یا محمد چگونه سعی کرده همسرش را شریک کند یا تحت چه شرایطی الله اجازه شکستن سوگند را می‌دهد یا چه رازی گفته شده که الله بعداً به محمد گفته است یا حتی کدامیک از همسران محمد بودند که هشدار داده شده‌اند که بر علیه محمد با هم تباہی نکنند و سپس به طلاق تهدید شده‌اند. کل این آیات و بسیاری دیگر از آیاتی مانند این برای هر کسی که مستقیماً درگیر آن ماجرا نبوده کاملاً مبهم است.

اما سنت اسلامی پر از داستان است و در این مورد يك مسلمان صدر اسلام به نام عبدالله بن عباس، از خلیفه عمر، جانشین محمد و دومین خلیفه امت اسلامی، درباره این آیات می‌پرسد. در طول حج، عبدالله از عمر این سؤال را می‌کند که «ای مولی مومنین. این دو بانو از همسران محمد چه کسانی بوده‌اند که الله از آن‌ها خواست توبه کنند.»

عمر پاسخ داد: «ای ابن عباس، من از سؤال تو متحیرم. آن‌ها عایشه و حفصه بودند.» به نظر عمر، حفصه یکی از همسران محمد، او را به خاطر درشتی کردن در پاسخ عصبانی کرده است. سپس وقتی عمر دانست که محمد هر دو همسرش را طلاق داده است، او متعجب نشده بود: «حفصه مغبون است!

سپس عمر به سراغ محمد می‌رود که ابتدا از دیدار او سرباز می‌زند و پشیمان شده و او را به نزد خود فرامی‌خواند: «من او را سلام دادم و در حالی که ایستاده بودم گفتم: آیا همسرانت را طلاق داده‌ای؟ او نگاهش را به من دوخت و پاسخ منفی داد.» سپس عمر شکایت کرد که همسرش تحت تاثیر برخی از زنان که تازه مسلمان شده‌اند، نافرمانی کرده است. عمر نقل می‌کند که محمد لب‌خندی زد و سپس عمر باز گو می‌کند که او به حفصه گفته بوده که به محمد درشتی نکند؛ سپس عمر به عایشه همسر محمد که از این قضیه بی‌مجازات بیرون آمده است فقط به خاطر این‌که او زیباتر بوده و محمد مهر بیش‌تری به او داشته است.

عمر به عایشه توضیح می‌دهد «محمد به خاطر رازی که حفصه برای عایشه بر ملا کرده از همسرانش دوری نکرده بود، و او گفت که به سبب عصبانی بودن از دست همسرانش به مدت يك ماه به نزد آنان نرفته سپس وقتی الله محمد را اندرز می‌دهد، و هنگامی که بیست و نه روز گذشت، پیامبر برای اولین بار نزد عایشه می‌رود.»

عایشه توضیح می‌دهد که: «محمد عادت داشت که برای مدت طولانی با زینب (یکی دیگر از همسران محمد) بماند و در خانه‌اش غسل بنوشد. سپس حفصه و من تصمیم گرفتیم که اگر پیامبر به نزد هر کدام از ما آمد او باید به محمد بگوید که من در شما بوی خوش سقر (نوعی سقر) را استشمام می‌کنم. آیا شما سقر خورده‌اید؟ سپس پیامبر یکی از آن‌ها را ملاقات کرده و او نیز همان را به محمد گفت. محمد در پاسخ گفت نخیر من مقداری غسل در خانه زینت بنت جحش خورده‌ام اما دیگر از آن هرگز نمی‌نوشم. سپس این آیه نازل شد که ای پیامبر چرا چیزی را که الله برای تو حلال کرده حرام می‌کنی...»

در این داستان، وحی سوره ۶۶ تنها به حسادت همسران یا شاید نفس بد محمد مربوط می‌شود و سوگند برای نخوردن غسل. در این مورد آنچه محمد ممنوع کرده بود و الله برای او مشروع کرد غسل بوده است. یعنی محمد سعی کرد که زنش را با وعده به رها کردن غسل راضی کند و الله به او اجازه می‌دهد که این سوگندش را بشکند و همسرانش را به طلاق تهدید می‌کند.

یا در آیه ۳۴ قرآن آمده است: «مردان بر زنان قیومیت و سرپرستی دارند، به خاطر این‌که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده، و به خاطر این مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می‌دهند. پس زنان صالح و شایسته باید

فرمان بر شوهران در کامگیری و تمتعات جنسی و محافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند. همان طوری که خدا منافع آنان را حفظ فرموده، و زنانی را که بیم دارید نافرمانی‌تان کنند (نشوز)، نخست اندرز دهید، اگر به اطاعت در نیامدند، با آنها قهر کنید و در بستر خود راه ندهید و اگر این نیز موثر تمام نشد، بزیندشان. اگر به اطاعت در آمدند، دیگر برای ادامه زدنشان بهانه‌جویی نکنید.»

بنابراین، خداوند عمیقاً طرفدار مردسالاری بود و به همین دلیل هیچ حقی را برای زنان به رسمیت نشناخته است. طبری در قرن سوم در «تفسیر جامع البیان فی تفسیر قران» می‌گوید: «مردان باید بر زنان مسلط باشند، زیرا که خداوند بعضی از انسان‌ها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است و نیز به این دلیل که، مردان از اموال خویش برای زنان خرج می‌کنند.»

شیخ طوسی، بنیان‌گذار فقه شیعه در قرن پنجم در تفسیر «التبیین فی تفسیر قران»، می‌نویسد: «مردان نسبت به تادیب و تدبیر امور زنان، قیم آنها هستند که خداوند مردان را از نظر عقل و رای نسبت به زنان، فزونی و برتری داده است.» فخر رازی، از بزرگان علمای سنت قرن ششم، در «تفسیر کبیر» می‌نویسد: «بدان که برتری مردان بر زنان حاصل از جنبه‌های بسیار است که، بعضی از آنها صفات حقیقی و برخی احکام شرعی است.» به نظر می‌رسد، از قرن ششم به بعد، برتری مردان نسبت به زنان تشدید یافت و مجموعه‌ای شد از فضل خداداد، عقل، درایت و نیروی بدنی؛ به علاوه فضلی که فقه - اکثراً به استناد به همین آیه - به مردان داد.

طبرسی، در «مجمع البیان» تفسیر شیعی، قرن ششم دلایل فضیلت را این‌گونه برشمرد: «عقل دور اندیشی، جهاد، ایراد خطابه‌های نماز جمعه، آذان گفتن، داشتن همسران متعدد و اختیار طلاق.»

به علاوه، الوالفتوح رازی، مفسر شیعی قرن ششم، در «روض الجنان و روح الجنان»، دلیل برتری عقل مرد را با ناقص بودن عقل و دین زن «اثبات!» می‌کند و می‌گوید: «زن ناقص عقل و ناقص دین است. برای آن‌که، در ماه، چند روز نماز و روزه را برپا کرده نمی‌تواند.»

علامه طباطبائی، در «تفسیر المیزان»، برتری مردان بر زنان را جسمی و عقلی تعریف می‌کند و استدلال می‌کند که، چون آیه از برتری مطلق مرد بر زن صحبت می‌کند، این برتری و قوامیت، عمومی است. بدین ترتیب، مناصب حکومت و قضا در انحصار مردان بودن در فقه را، به این آیه ربط می‌دهد.

علامه طباطبائی، در «تفسیر المیزان»، تاکید می‌کند: «معلوم است که عقل مردان بیش‌تر از زنان است.» فخر رازی، می‌نویسد: «بدون شک عقل و علم مردان برتر است.» در حالی که با توجه به یافته‌های علمی در باره ساختار بیولوژیکی مغز زن و مرد، تفاوتی وجود ندارد.

در آیه سوم سوره نساء آمده است:

«اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بيمناك هستيد هر چه از زنان (ديگر) که شما را پسند افتاد دو، سه یا چهار تا به زنی گیرید پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به يك (زن آزاد) یا به آنچه (از کنیزان) مالك شده‌اید (اكتفا کنید) این (خودداری) نزدیک‌تر است تا به ستم گرانیید (و بیهوده عیال‌وار گردید).»

این آیه، به صراحت چند همسری و تجاوز به «کنیزان» را برای مردان تبلیغ و ترویج می‌کند و مجاز می‌داند.

اسلام ذاتاً دینی «زن‌ستیز» است!

به نظر می‌رسد قرآن زمانی بر محمد در شبه جزیره عربستان «نازل» شد که قوانین و ساختار حاکم بر آن جامعه سراسر مردسالارانه بود و مردانگی و قوای مردانه به عنوان ارزش‌های برتر جامعه شناخته و ترویج می‌شد. به همین دلیل، این بستر مردسالارانه در آیات قرآن و سپس در تفاسیر قرآن منعکس شده است.



چند همسری، تبلیغ صیغه، تحمیل حجاب و سرکوب سیتما تیک زنان، نمونه‌های اشکار سیاست‌های زن‌سنیز حکومت اسلامی است. از نگاه دین، صرفا به‌دلیل این که زن تولیدکننده است در خدمت مرد قرار دارد، دارای اهمیت است. نگاه دین به زن به‌عنوان انسانی دارای تمامی حقوق و صاحب جسم و روح خود است، به‌شدت منفی است. قرآن زن را به برده جنسی مرد تبدیل کرده و حتی مرد را مجاز می‌داند تا زنان را کتک بزند.

تا زمانی که خدیجه در قید حیات بود محمد تک همسر بود. اما پس از مرگ خدیجه در ۶۱۹ میلادی و ورود محمد به مدینه و تحکیم قدرت‌ش دوران چند همسری‌اش نیز آغاز شد. در میان یازده زن محمد، عایشه دختر ابوبکر که از شش سالگی برای محمد انتخاب شده بود سرانجام در سن ۹ سالگی به‌عنوان سومین زن به ازدواج محمد درآمد مردی که بیش از پنجاه سال داشت.

در مورد امتیازات ویژه محمد در قرآن آمده است: «ای پیغمبر ما زنانی را که مهرشان را ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که به غنیمت، خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله آن‌ها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مومنه‌ای که خود را به رسول بی‌شرط و مهر ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد که این حکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص تو است... این زنان همه را که بر تو حلال کردیم و ترا مانند مومنان امتت به احکام نکاح مقید نکردیم بدین سبب بود که بر وجود عزیز تو در امر نکاح، هیچ حرج و زحمتی نباشد.» (سوره احزاب آیه ۵۰)



در هر صورت حکومت اسلامی ایران، یکی از جانی‌ترین حکومت‌های جهان محسوب می‌شود حکومتی که همه ارزش‌های انسانی را نابود کرده است. این حکومت با سیاست‌های خرافات اسلامی خود حتی شهروندان جامعه ایران را هر چه شدیدتر در معرض مبتلا به ویروس مرگبار کرونا قرار داده است.

ایرج حریرچی، معاون وزیر بهداشت حکومت اسلامی ایران می‌گوید ۱۵ استان در وضعیت قرمز کرونایی قرار دارند و ۱۱ استان دیگر در وضعیت هشدار هستند.

حریرچی چهارشنبه شب ۸ مرداد در یک برنامه تلویزیونی با اشاره به اوضاع بغرنج شیوع بیماری کرونا در ایران گفت: «در حال حاضر ۲۶ استان کشور یعنی جمعیتی بیش از ۷۲ میلیون نفر در وضعیت قرمز و هشدار هستند.»

این معاون وزیر بهداشت همچنین در ادامه تاکید کرد ۵ استان نیز وضعیت زرد دارند که حدود ۱۰ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از شهروندان ایرانی در آن مناطق زندگی می‌کنند.

طبق اعلام وزارت بهداشت حکومت اسلامی ایران، استان‌های تهران، مازندران، گلستان، فارس، آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، خراسان رضوی، کرمان، خراسان شمالی، سمنان، لرستان و هرمزگان ۱۱ استانی هستند که در وضعیت قرمز گزارش شده‌اند.

همچنین مسئولان وزارت بهداشت ایران می‌گویند تا روز ۸ مرداد، استان‌های آذربایجان غربی، خوزستان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، همدان، کهگیلویه و بویر احمد، مرکزی، یزد، گیلان و قم نیز در وضعیت هشدار به سر می‌برند.

از سوی دیگر، با وجود مخالفت‌های وزارت بهداشت با برگزاری محدود و کنترل شده مراسم عزاداری محرم، شیخ حسن روحانی روز چهارشنبه بار دیگر تاکید کرد این مراسم حتما با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار می‌شود. این وضعیت در حالی است که تعداد جان‌باختگان در اثر ویروس کرونا در ایران رشد نگران‌کننده‌ای دارد.

این در حالی است که سیما سادات لاری سخن‌گوی وزارت بهداشت ایران، روز پنج‌شنبه ۹ مرداد - ۳۰ ژوئیه اعلام کرد: «بر اساس یافته‌های قطعی آزمایشگاهی، از ظهر دیروز تا امروز، تعداد ۲۶۲۱ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ در کشور شناسایی شده‌اند که ۱۵۸۸ نفر از آن‌ها بستری شده‌اند و تعداد ۴۰۴۱ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در وضعیت شدید و بحرانی این بیماری و تحت مراقبت در بخش‌های «آی‌سییو» قرار دارند و مجموع مبتلایان به این بیماری در ایران، به ۳۰۱ هزار و ۵۳۰ مورد رسیده است.»

سادات لاری افزود: «متاسفانه در طول ۲۴ ساعت گذشته، تعداد ۲۲۶ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در کشور، جان خود را از دست داده‌اند و مجموع درگذشتگان بر اثر این بیماری به ۱۶ هزار و ۵۶۹ نفر رسیده است.» او در ادامه گفت: «۱۵ استان تهران، مازندران، گلستان، فارس، آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، خراسان رضوی، کرمان، خراسان شمالی، سمنان، لرستان و هرمزگان، در وضعیت قرمز قرار دارند. همچنین ۱۱ استان آذربایجان غربی، خوزستان، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، زنجان، همدان، کهگیلویه و بویر احمد، مرکزی، یزد، گیلان و قم هم در وضعیت هشدار قرار دارند.»

او در خصوص استان مرکزی نیز گفت: «از نیمه خرداد ماه مجددا شاهد افزایش موارد ابتلا و بستری روزانه در اغلب شهرستان‌های این استان هستیم به طوری که هم اکنون یک شهرستان در استان مرکزی در وضعیت قرمز است و ۵ شهرستان نیز در وضعیت هشدار قرار دارند و شیب موارد بستری در بعضی از شهرستان‌های استان مانند اراک، زرنده، خمین، ساوه و دلیجان، نگران‌کننده است.» او افزود: «در حال حاضر تمام نقاط کشور آلوده به ویروس هستند و اگر استان یا شهرستانی در وضعیت هشدار یا قرمز قرار ندارد به این معنا نیست که عاری از ویروس است زیرا تمام مناطق کشور در معرض خطر بیماری قرار دارند.»

او درباره وضعیت بستری در تهران، گفت: «موارد بستری مجددا در تهران اوج گرفته است که خیلی خطرناک است؛ روز گذشته در استان تهران ۷۱۰ بیمار مبتلا به کرونا را بستری کرده‌ایم که به اندازه ظرفیت بیمارستان امام حسین تهران است.»

معاون کل وزارت بهداشت نیز گفت: «در حال حاضر افراد ۲۰ تا ۲۹ ساله و حتی سنین کم‌تر هم بستری می‌شوند. هر چند میزان بستری در سنین بالا همچنان بیشتر است، اما میزان بستری سنین پائین هم نسبت به دوره چهار ماهه قبل، دو برابر شده است و باید خیلی مراقب جوانان و کودکان باشیم.»

او با اشاره به مراسم عید قربان و روز عرفه، گفت: «امروز یک نامه رسمی ارسال کردیم که خواسته شده فقط مراسم را در شهرهای سفید داشته باشیم.» او افزود: «باید توجه کرد که ۱۰ دقیقه صحبت به اندازه یک عطسه ویروس پخش می‌کند. در عین حال شواهدی آمده که ویروس ۸ دقیقه در هوا می‌ماند و می‌تواند منتقل کند. بر همین اساس برخی مناطق مثل پاساژها را اندازه‌گیری کردیم و شواهدی از حضور ویروس در هوا را مشاهده کردیم. ماسک و فاصله‌گذاری اجتماعی بسیار مهم است اما اگر ۳۰ درصد هم رعایت نکنند، روند صعودی می‌شود.»

او ادامه داد: «به مردم هشدار جدی می‌دهم در کشوری با ۸۴ میلیون نفر جمعیت، ۱۳۰ هزار تخت بیمارستانی داریم. کشورهایی مانند ترکیه چندین برابر ما تخت بیمارستانی دارند. فاجعه در تعداد «آی‌سنیو»، به ازای ۱۰۰ هزار نفر است. به رغم این‌که در طرح تحول سلامت، تعداد تخت «آی‌سنیو» را ۱/۵ برابر بالا بردیم و هنوز اجازه ندادیم که بیماری پشت در بماند، اما بیمارستان‌هایمان پر است.»

آمار ابتلا به کرونا در مازندران همچنان روند افزایشی را طی می‌کند و در حال حاضر ۱۹۱۳ بیمار مبتلا به کوئید ۱۹ در مراکز درمانی زیر نظر دو دانشگاه علوم پزشکی مازندران و بابل بستری هستند.

سیدعباس موسوی رئیس دانشگاه علوم پزشکی مازندران، گفت: «در ۲۴ ساعت گذشته، ۲۵۹ بیمار مشکوک به کرونا بر اساس تشخیص بالینی در بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سطح استان بستری شدند.» او افزود: «هم اکنون ۱۵۹۳ بیمار مشکوک به ویروس کرونا با علائم تنفسی حاد بر اساس تشخیص بالینی در این مراکز بستری هستند.»

همچنین بر اساس اعلام روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی بابل، در حال حاضر ۳۲۰ بیمار مشکوک به کرونا در بیمارستان‌های بابل بستری هستند و در ۲۴ ساعت گذشته، ۴۵ بیمار جدید در بخش‌های عادی بستری شده‌اند و ۴۷ بیمار در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بستری هستند.

محمد طالب‌پور رئیس بیمارستان سینا در تهران، گفت: «یک سوم کادر پزشکی، پرستاری و خدمات بیمارستان، درگیر و مبتلا به ویروس کرونا هستند؛ به‌نحوی که در حال حاضر حدود ۳۵۰ نفر از پرسنل این بیمارستان به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند که نشان‌دهنده موج شدید بیماری است.»

او درباره وضع بیمارستان سینای تهران در مقابله با کرونا، افزود: «شیوع بیماری حتی از محاسبه ما نیز خارج شده؛ به‌شکلی که شاید روزانه در حال تغییر است. این بیمارستان حدود ۵۰۰ تخت دارد که همواره اشغال است و بیماران مختلفی در آن‌ها بستری هستند و در زمان حاضر ۱۴۰ تخت بیمارستان سینا به بیماران کرونایی اختصاص دارد. در بخش آی‌سنیو بیمارستان سینا، ۳۰ تخت اشغال شده و اورژانس نیز همواره شلوغ است.»

او تاکید کرد: «مشکل این است که دیگر تختی نداریم که بستری کنیم. گاهی ضریب اشغال ما ۱۱۰ و ۱۲۰ درصد می‌شود. این هجوم بیماران کرونایی و غیرکرونایی، مدیریت را دشوارتر کرده است.»

خسرو صادق نیت رئیس مجتمع بیمارستانی خمینی در تهران گفت: «شدت بیماری افزایش پیدا کرده و حتی ابتلای سنین پائین‌تر را هم بیش‌تر از گذشته می‌بینیم. نسبت به اردیبهشت و خردادماه افزایش چشمگیر بیماری را داریم و بدحالی بیماران نیز افزایش یافته است.»

فرهاد زمانی رئیس بیمارستان فیروزگر تهران نیز گفت: «بیمارستان فیروزگر به شکل شدیدی درگیر این بیماری است. در حدود ۲۰۰ تخت این بیمارستان را بیماران کرونایی اشغال کرده‌اند که ۷۰ نفر در آی‌سی‌یو هستند و ۱۵ نفر زیر دستگاه تنفسی قرار دارند. با توجه به روند افزایش مراجعه به بیمارستان، بخش‌های دیگر نیز به بیماران کرونایی اختصاص پیدا کرده است.»

علی لاریجانی بار دیگر بر اثر ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری شد

با این وجود در جلسه ستاد مقابله با کرونا در روز پنج‌شنبه ۹ مرداد که با حضور شیخ حسن روحانی رئیس‌جمهوری برگزار شد، او در این جلسه تاکید کرد که در مراسم عزاداری محرم با بهره‌گیری از ابتکارات جدید و هم‌سو با شرایط خاص کشور در موضوع کرونا، بخشی از عزاداری‌ها به فضای مجازی و در حسینه‌های مجازی انجام گیرد.

در حالی که کشورهای عربستان، عراق و افغانستان، به دلیل همهگیر شدن ویروس کرونا برگزاری مراسم مذهبی پیش رو را ممنوع یا محدود کرده‌اند، ستاد کرونا در ایران نخستین اطلاعیه مربوط به «شیونامه‌های رعایت بهداشت از سوی مردم، سخنرانان و مسئولان هیئت‌های مذهبی، تکایا و حسینیه‌ها» را صادر کرد.

حسن روحانی، رئیس‌جمهور، در جلسه روز شنبه هیات دولت با تاکید بر این که «قطعا هم عزای امام حسین باشد و هم تاکید بر سلامتی»، از تصمیم مقام‌های ایران برای برگزاری مراسم عرفه، اعیاد قربان و غدیر و محرم و صفر خبر داد.

يك عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی که به بیماری کرونا مبتلا شده بود، گفت: با مصرف داروی امام کاظم به نوع سخت کرونا مبتلا نشدم.

حسینعلی حاجی‌دلیگانی در خصوص ابتلا به بیماری کرونا گفت: برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری، از داروی امام کاظم (ع) استفاده کردم، این دارو در جهت پیشگیری بسیار موثر بود همچنین باعث شد به نوع سخت کرونا مبتلا نشوم.

داروی امام کاظم یکی از داروهای طب اسلامی است که در دوران کرونا بحث زیادی بر سر تأثیرات آن بر مبتلایان در گرفته است.

عضو هیات‌رئیسه مجلس شورای اسلامی ادامه داد: همچنین در دوران ابتلا و برای درمان عمدتا از داروهای طب اسلامی (ادراش شتر) مصرف کردم و رو به بهبودی رفتم.

پدر طب اسلامی: فقط زنان ماسک بزنند. آخوند عباس تبریزیان که خود را پدر طب اسلامی می‌داند، در مورد ویروس کرونا می‌گوید فقط زنان باید ماسک بزنند.

در چنین وضعیتی هیات مجمع انجمن‌های گروه پزشکی ایران، در نامه‌ای به حسن روحانی، درباره خطر تجمعاتی مانند عزاداری محرم و برگزاری کنکور هشدار دادند.

در این نامه آمده است: «خطر شعله‌ور شدن ابتلا و تلفات فراوان در جمع عزاداران به هم فشرده، اظهر من الشمس است. خستگی کادر درمان هم علامت بدی است.»

در نامه انجمن‌های پزشکی که به امضاء پزشکان سرشناس ایرانی درآمده آمده است: «اگر امروز روزانه دویست مرگ و ۲۰۰۰ ابتلاء ثبت می‌شود بر اساس برخی پیش‌بینی‌ها در صورت عدم رعایت جدی دستورالعمل‌ها در سه ماه آینده این آمار تا ۱۶۰۰ مرگ در روز هم افزایش خواهد یافت.»

امضاءکنندگان نامه همچنین به خستگی نیروهای انسانی کادر پزشکی و به پایان رسیدن منابع سلامت اشاره کردند و افزودند: «در چنین شرایطی چشم‌اندازی بسیار تیره و تکان‌دهنده پیش چشم آشکار می‌کند.»

در این نامه همچنین به «محدودیت‌های شدید» در برگزاری حج امسال در عربستان اشاره شده و آمده: «این نمایانگر ضرورت تعطیلی تمامی مناسک دینی تجمعی من جمله مراسم ایام محرم است.»

با وجود همه هشدارها روز پنجشنبه ۹ مرداد کنکور دکتری با بیش از ۱۷۵ هزار داوطلب در ایران برگزار شد.

در ایران با ۸۴ میلیون نفر جمعیت، ۱۳۰ هزار تخت بیمارستانی برای درمان بیماران وجود دارد. در چنین شرایطی، برگزاری مراسم محرم قطعا ظرفیت‌های بیمارستانی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. ممکن است عده‌ای از مبتلایان پشت درهای بیمارستان‌های کشور بمانند و به این ترتیب تعداد فوتی‌ها جهش کند. خستگی و فرسودگی کادر درمان هم یکی از مشکلات است.

به این ترتیب، حکومت با ویروس کرونا دست به دست هم داده‌اند تا هر چه بیشتر از شهروندان ایران قربانی بگیرند در حالی که خود خامنه‌ای از روزی که ویروس کرونان در ایران همهگیر شده است همه ملاقات‌های مستقیم و حضوری

خود را قطع کرده است تا مبادا به ویروس کرونا مبتلا گردد. اما مردم را تشویق می‌کنند به خیابان‌ها بریزند و دسته‌های عزاداری راه بیاندازند و مساجد و سایر اماکن مذهبی را پر کنند تا بازارشان از رونق نیفتد و کساد نشود.

شکی نیست که جامعه ما باید از اسلام عبور کند. به‌همین دلیل ضرورت دارد که بی‌وقفه در نقد دین و جنایات آیت‌الله‌های حاکم بر جامعه ایران نوشت. هرچند که چنین اقدامی خالی از خطر نیست.

در این چهل و یک سال آیت‌الله‌های مفت‌خور و تبه‌کار حاکم بر جامعه ما، عملاً نشان داده‌اند که دین اسلام، دین خرافات و جنایت و زن‌ستیزی و آزادی‌ستیزی، و دین آدم‌کشی و جهل و جنایت است.

حکومت اسلامی ایران، جامعه ایران در معرض بحران‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی قرار داده است از تنگناهای تحریم‌ها و همه‌گیری ویروس کرونا و... افزایش قیمت‌ها، دارو و مواد غذایی هر روز مردم را نگران‌تر می‌کند. اما حکومتیان و اطرافیان آن‌ها، همواره ارزهای میلیارد دلاری از ایران خارج می‌کنند.

ریال ایران با سبقت از بولیوار ونزوئلا، پائین‌ترین نرخ برابری ارزهای ملی جهان را در مقابل دلار آمریکا و یورو ثبت کرد. پس از ریال و بولیوار، دانگ ویتنام در جایگاه سومین ارز ملی قرار دارد که پائین‌ترین نرخ برابری را در مقابل دلار آمریکا و پول واحد اروپایی داراست.

بنا به گزارش‌ها، با سقوط ارزش ریال، قیمت دلار از رقم بی‌سابقه ۲۶ هزار تومان گذشت و هر یورو نیز ۲۹ هزار و ۷۴۰ تومان به فروش رسید. قیمت هر دلار در پایان معاملات روز شنبه گذشته حدود ۲۵ هزار و ۳۵۰ تومان بود.

خبرگزاری رویترز در گزارشی با عنوان ریال ایران به پائین‌ترین نرخ در برابر دلار رسید نوشت: ریال ایران در سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۴۸ درصد از ارزش خود را از دست داده که بیش از نیمی از آن در یک ماه گذشته بوده است. افت قیمت نفت و رکود اقتصاد جهانی، بحران اقتصادی در ایران را عمیق‌تر کرده و این در حالی‌ست که این کشور بالاترین میزان تلفات کرونا در خاورمیانه را دارد.

روزنامه رسالت نیز به نقل از کمال سیدعلی، معاون اسبق بانک مرکزی نوشت: دلیل اصلی کاهش ارزش پول ملی کسری بودجه و نحوه تامین کسری بودجه است.

این در حالی‌ست که همواره دو سوم بودجه کشور در اختیار شرکت‌ها و موسسات حکومتی است که به هیچ‌کس حساب پس نمی‌دهند و هیچ‌گونه نظارتی هم بر آن انجام نمی‌شود.

هم‌اکنون فقر و بیکاری در جامعه ما غوغا می‌کند. دستمزد شاغلین و بازنشستگان نیز کفاف زندگی آن‌ها را نمی‌دهد. ایران تنها کشور جهان است که دستمزد ناچیز و بخورونمیر کارگران به‌موقع پرداخت نمی‌گردد و آن‌ها مجبورند برای گرفتن حق خود، دست به اعتراض و اعتصاب بزنند و تجربه سرکوب و زندان و شکنجه را نیز از سر بگذارند.

جمعی از پرستاران بیمارستان‌های ارومیه روز دوشنبه ۲۰ مرداد ماه - ۱۰ اوت در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت خود و همچنین چندین ماه دستمزد معوقه خود مقابل استانداری این شهر تجمع کردند.

آن‌ها می‌گویند، کثرت پرستاران بخش کرونایی جزو نیروهای شرکتی بوده که مزایا و اضافه کاری خود را از اسفند ماه سال گذشته دریافت نکرده‌اند. آن‌ها نسبت به افزایش ساعات کار و اعمال اضافه‌کاری اجباری و پرداخت‌نشدن مزایا اعتراض کردند.

معترضان گفتند ساعت کار موظفی پرستاران را از ۱۶۰ ساعت در ماه به ۱۷۵ ساعت افزایش داده‌اند، بدون آن‌که به دستمزدهای آنان افزوده شود. برای هر پرستار نیز در ماه ۵۰ ساعت اضافه‌کاری اجباری تعیین شده است.

یحیی ابراهیمی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفته با شیوع بیماری کرونا ۵۰ درصد درآمد بیمارستان‌ها کاهش پیدا کرده که همین امر پرداخت کارانه کادر درمان را با مشکل مواجه کرده است.

این نماینده همچنین گفته از یک میلیارد دلاری که برای مبارزه با کرونا برای وزارت بهداشت در نظر گرفته شده بود، تاکنون ۳۰ درصد پرداخت شده است و سرنوشت ۷۰ درصد این پول مشخص نیست.

نظام درمانی ایران با کمبود ۲۰ هزار پرستار روبه‌روست و پرستاران شاغل باید این کمبود را با ساعات کار بیش‌تر جبران کنند. پرستاران از جان خود مایه می‌گذارند، در حالی که بسیاری از آن‌ها امنیت شغلی ندارند و حداقل دستمزد بگیرند. با خصوصی‌سازی بخش بهداشت و درمان به تدریج از تعداد پرستاران استخدامی کم شده است.

اکنون حدود ۲۰ هزار تن از پرستاران (معادل ۲۰ درصد کل پرستاران) شرکتی هستند و با قراردادهای ۸۹ روزه یا یک ساله کار می‌کنند، حداقل دستمزد را می‌گیرند و امنیت شغلی ندارند.

محمدرضا محبوب‌فر، عضو ستاد مقابله با کرونا، گفته است:

دقیقا یک ماه قبل از اعلام رسمی ظهور کرونا در کشور یعنی در اوایل دی ماه اولین بیمار مبتلا به کرونا مشاهده شده است ولی آن زمان دولت به دلایل سیاسی و امنیتی پنهان‌کاری کرد و بعد از ۲۲ بهمن و انتخابات تصمیم گرفت وجود شیوع کرونا در کشور را اعلام کند!

از ابتدای شیوع کرونا در کشور تا کنون آمار مهندسی شده است. آمار براساس ملاحظیات سیاسی و امنیتی به جامعه تزریق می‌شود. به عقیده بنده آمارهای اعلامی از سوی وزارت بهداشت (تعداد مبتلایان و فوتی‌ها) یک بیستم آمار حقیقی و واقعی است.

وقتی رئیس‌جمهور بدون توجه به نظر کارشناسان و متخصصان سلامت می‌گوید عزاداری‌های محرم می‌تواند به‌صورت باشکوه برگزار شود بدین معناست که اختلاف نظرها میان اعضای ستاد ملی مقابله با کرونا و هیات دولت جدی است. تعداد فوتی‌ها ممکن است چهار رقمی شود. در ایران رویکردی حاکم است که اراده ای برای کنترل کرونا ندارد.

با دستور هیات نظارت بر مطبوعات، روزنامه «جهان صنعت» توقیف و توقف انتشار همراه شد. مدیر مسؤل روزنامه جهان صنعت می‌گوید: گزارش صفحه جامعه روزنامه با عنوان «به آمار دولتی اعتمادی نیست» علت توقیف روزنامه بوده است.

گزارش مذکور به واکاوی نوسانات آمار جان‌باختگان کرونا در ایران پرداخته بود. در این گزارش محمدرضا محبوب‌فر، عضو ستاد مقابله با کرونا و اپیدمیولوژیست به «جهان صنعت» در مورد کاهش آمار کرونا گفته بود: «با توجه به مفاد پروتکل‌ها و از طرف دیگر ملاحظیات سیاسی و امنیتی قطعاً آمار به صورت مهندسی‌شده به جامعه تزریق می‌شود.» احتمالاً همین سخنان، موجب توقیف روزنامه شده است.

سران حکومت اسلامی ایران، یک بخش هستی و بقای خود را مدیون مراسم‌های مذهبی می‌دانند. و یک بخش دیگر را نیز نتیجه سانسور و سرکوب سیستماتیک و اعدام‌ها و کشتارها! بی‌جهت نیست که چندی پیش شیخ حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی، بر ضرورت برگزاری مراسم عزاداری در اوضاع و احوال کنونی تاکید کرد.

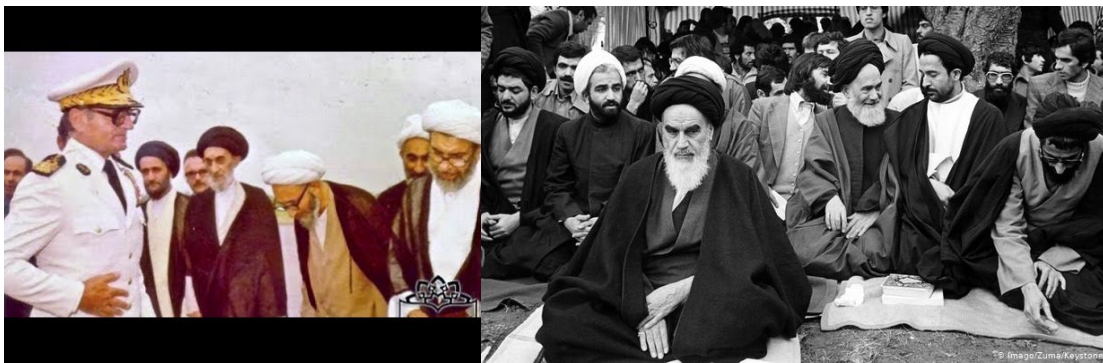
در واقع از زمانی که صفویان در اوایل قرن شانزدهم میلادی مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کردند، بیش‌تر پادشاهان ایران که همه شیعه مذهب بودند، نه تنها دست آخوندها و کارگزاران دین را در برگزاری مراسم عزاداری محرم باز گذاشتند، بلکه خود نیز در دوره‌هایی مراسم رسمی عزاداری ترتیب دادند. در زمان ناصرالدین شاه قاجار مراسم رسمی سوگواری و روضه‌خوانی ماه محرم در عمارت باشکوهی به نام «تکیه دولت» برگزار می‌شد. تکیه دولت را که به «تکیه بزرگ شاهی» و «تکیه همایونی دولتی» نیز معروف بود رو به روی مسجد شاه تهران در شمال سبزه میدان و در جنوب غربی شمس‌العماره ساخته بودند. در تاریخ‌ها آمده است که ناصرالدین شاه پس از مسافرت‌هایش به اروپا فرمان ساختن این بنا را به‌منظور برگزاری نمایش‌های غیرمذهبی به شیوه اروپائیان صادر کرد،



اما پیش از آنکه ساختمان آن به پایان برسد بر اثر ناخرسندی مردم دیندار تهران دستور داد آن را به محل برگزاری روضه خوانی و تعزیه تبدیل کنند.

با آغاز جنبش مشروطه خواهی و ورود افکار مدرن به ایران از اهمیت مراسم عزاداری کم و بیش کاسته شد. بیش‌تر روشنفکران دوره مشروطه با چنین مراسم‌هایی مخالف بودند. در دوره پادشاهی احمدشاه که از ژوئیه ۱۹۰۹ تا اکتبر ۱۹۲۵ طول کشید مراسم عزاداری محرم دوباره رونق گرفت اما پس از به‌قدرت رسیدن رضاشاه، دولت رفت‌رفته محدودیت‌هایی برای برگزاری آن مراسم ایجاد کرد.

پس از شهریور ۱۳۲۰ - سپتامبر ۱۹۴۱، متفقین رضاشاه را به دلیل همکاری با المان هیتلری از قدرت برکنار کردند و او را به تبعید فرستادند و پسرش محمدرضا به قدرت رساندند. عزاداران حسینی و عاشقان سیدالشهدا در سایه شاه جوان، و حضور نیروهای متفقین تکیه‌ها و حسینیه‌ها را فعال‌تر کردند. دوباره علم و کُتل‌ها را بیرون کشیدند و دسته‌های عزاداری به راه انداختند.



محمدرضا شاه در برابر اسلام‌گرایان سر خم کرد و سیاستی مماشات‌گرانه در پیش گرفت. او خود در ظهر عاشورای هر سال در مراسم عزاداری مسجد سپهسالار حاضر می‌شد تا به مردم دیندار نشان دهد که سر ستیز با باورهای دینی آنان ندارد. او میدان وسیعی به رشد و گسترش خرافات دینی داد. بنابراین ریشه به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران را باید در سیاست‌های حاکمیت محمدرضا شاه و خرافه‌پرستی خود او جست‌وجو کرد. محمدرضا بزرگ‌ترین خدمت را به قشر مفت‌خور روحانیت کرد.

شاید اوریا فالانچی تنها روزنامه‌نگار جسور جهان بود که افکار ارتجاعی شاه و خمینی را به تصویر کشیده است. وی در اکتبر ۱۹۷۳ - مهر، آبان ۱۳۵۲ به ایران آمد. به هر ترتیب شاه اجازه می‌دهد فالانچی سه ساعت تمام با او مصاحبه کند، درباره دیکتاتوری، حکومت مورد علاقه شاه، روسیه، کمونیسم، همسایگان، شایعه ازدواج مجدد او، برخوردها، مخالفان و به‌ویژه از این‌که یک قوه غیبی آسمانی از «اعلیحضرت» حمایت می‌کند و به هنگام رویارویی با برخوردهای خطرناک، هشدارهای غیبی لازم را در اختیار اعلیحضرت می‌گذارد!

فالانچی می‌نویسد:

... وقتی از آنجا خارج شدم به‌خاطر آوردم از تنها چیزی که حرف زده‌ایم بیماری روحی (دیوانگی) اوست که می‌گویند به آن مبتلاست و بی‌رحمی وی را نیز به وجود این بیماری مربوط می‌دانند. با وجود سه ساعت سوال و جواب متوجه شدم که این مرد را خیلی کم شناخته‌ام و او همچنان برایم مثل یک مجهول باقی مانده است.

فراز هائی از گفت‌وگوی شاه با فالانچی:



فالاجی: «آه خدای من، باید ناراحتی بزرگی باشد. می‌خواهم بگویم کسی که می‌خواهد به جای مردی شاهی کند، باید موجود خیلی تنهائی باشد.»

شاه: «انکار نمی‌کنم که تنهائی‌ام بی‌نهایت عمیق است. پادشاهی که هر حرفی می‌زند یا هرکاری انجام می‌دهد و می‌داند که نباید به کسی حساب پس بدهد، مسلماً خیلی تنهاست. ولی به‌طور کلی من تنها نیستم، بلکه نیروئی مرا همراهی می‌کند که دیگران آن را نمی‌بینند. قدرت من، قدرت خدائی است و در ضمن دستورهای مذهبی دریافت می‌کنم. من خیلی مذهبی هستم. به خدا اعتقاد دارم و همیشه نیز گفته‌ام که اگر خدا وجود نداشته باشد، باید اختراعش کرد. آن بدبخت‌هایی که خدا ندارند، خیلی مرا رنج می‌دهند. بدون خدا نمی‌شود زندگی کرد. من از پنج سالگی با خدا زندگی می‌کنم، یعنی از همان زمانی که به خواب آمده.»

فالاجی: «چه کسی یا چه چیزی به خوابتان آمد؟»

شاه: «من تعجب می‌کنم که شما در این مورد چیزی نمی‌دانید. همه می‌دانند که من چندین بار خواب‌نما شده‌ام. در کتاب خودم نیز در این مورد نوشته‌ام. در کودکی خواب‌نما شده‌ام، یک بار در پنج سالگی و یک بار در شش سالگی. بار اول حضرت علی(ع) را خواب دیدم. حادثه‌ای برایم پیش آمد: داشتم بر روی سنگی می‌اقتادم که او خودش را بین من و سنگ حائل قرار داد. می‌دانم برای این‌که دیدم، نه در خواب بلکه در واقعیت. فقط من دیدم و بس. حتی شخصی که مرا همراهی می‌کرد، به هیچ‌وجه او را ندید. هیچ‌کس غیر از من هم نباید او را می‌دید. برای این‌که... آه می‌ترسم شما مرا درک نکنید.»

فالاجی: «عالیجناب، اگر راستش را بخواهید من از این قضیه چیزی نمی‌فهمم. خیلی خوب شروع کرده بودید، ولی حالا... این داستان خواب‌نما شدن اصلاً برای من روشن نیست.»

شاه: «برای این‌که شما به آن اعتقاد ندارید، نه به خداوند و نه به من. خیلی‌ها باور ندارند. حتی پدرم نیز باور نمی‌کرد. نه تنها هرگز باور نمی‌کرد، بلکه مرا مسخره هم می‌کرد. خیلی‌ها با احترام از من سؤال می‌کردند که آیا هرگز در این مورد شک نکرده‌ام که یک رویا یا فانتزی بوده باشد و من جواب می‌دادم خیر. نه به‌خاطر این‌که به خدا اعتقاد دارم و می‌دانم از طرف او برای انجام یک مأموریت انتخاب شده‌ام، بلکه خواب‌نما شدن‌های من معجزه‌هایی بودند که کشور را نجات دادند. سلطنت من کشور را نجات داد، به‌خاطر این‌که خدا کنار من بود. می‌خواهم بگویم تمام کارهایی که برای ایران کرده‌ام، به تنهائی انجام نداده‌ام و کسی که پشت سر من بوده، خدا بوده است. متوجه می‌شوید؟»

فالاجی: «نه عالیجناب! راستی فقط در دوران کودکی خواب نما شده‌اند یا این‌که چنین چیزی در سن بلوغ هم برایتان اتفاق افتاده است.»

شاه: «گفتم که فقط در کودکی، در سن بلوغ فقط خواب دیده‌ام. خواب‌هایی که می‌دیدم، می‌بایستی بعد از دو یا سه ماه اتفاق بیفتد و دقیقه بعد از دو یا سه ماه اتفاق می‌افتاد. ولی این‌که چگونه خواب‌هایی بودند، نمی‌توانم به شما بگویم، چون خواب‌های شخصی نبودند، بلکه در مورد مسایل داخلی ایران بودند و بنابراین اسرار دولتی‌اند. اما اگر من به‌جای کلمه خواب و رویا، کلمه هشدار را به‌کار ببرم، ممکن است شما بهتر درک کنید. من به از پیش خبردار شدن اعتقاد دارم. کسانی هستند که به از نو به‌وجود آمدن اعتقاد دارند و من به از پیش خبردار شدن معتقدم. من مرتباً از آینده خبردار می‌شود.»

شاه در پاسخ مجدداً به دام افتاده، مطالب توهین‌آمیز مفصلی درباره نظرات خود نسبت به زن‌ها بیان می‌کند که زنان اروپائی و امریکائی خواننده مصاحبه را به‌شدت عصبانی خواهد کرد، ولی در پایان می‌گوید که زنان برای زیبایی و زن بودنشان به حساب می‌آیند و باز اضافه می‌نماید زنان قانوناً و صوراً با مردان مساوی هستند در حالی که از نظر

توانائی چنین نیست. مثلا هرگز از بین زنان یک میکال آنژ یا باخ برنخاسته، حتی یک آشپز بزرگ در بین زنان ندیده‌ایم؛ و می‌گوید مثلا خود شما در تمام گفت و شنودهایتان با چند زن آشنا شده‌اید که قادر به حکومت کردن باشند؟ فالاجی: «حداقل دو نفر عالیجناب، گلدا مایر و ایندیرا گاندی»

شاه به گفت‌وگوی خود ادامه می‌دهد. از زنان به دلیل این‌که بی‌رحم‌تر و خیلی به خون تشنه‌تر هستند، انتقاد می‌کند. از کاترینا مدیچی (کاترین دومدیسلی ملکه خونخوار فرانسه) کاترین کبیر، الیزابت اول ملکه انگلیس و لوکرس بورژیا یاد می‌کند.

فالاجی با زرنگی می‌گوید: «اگر این‌طور است چرا شهبانو فرح را به‌عنوان نایب‌السلطنه انتخاب کرده‌اید؟» شاه هول می‌شود و می‌گوید: «همسرم از مشورت‌های یک شورا برخوردار خواهد بود اما من نیازی به مشورت ندارم.»

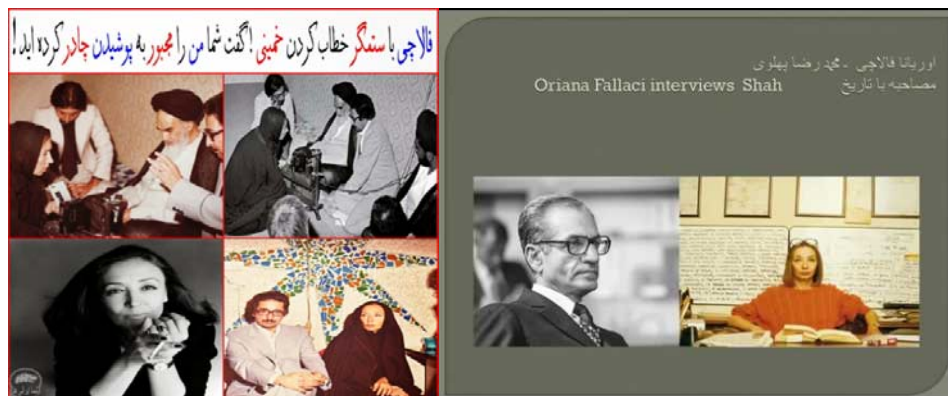
فالاجی باز هم شاه را آن‌قدر عصبانی می‌کند که از زن ایتالیائی جسور می‌پرسد: «فکر می‌کنم ما این‌جا ننشسته‌ایم تا فقط در این مورد صحبت کنیم.»

فالاجی باز می‌گوید: «مردم ایران وقتی خواستم با آن‌ها از شاه صحبت کنم در سکوتی از ترس فرو می‌رفتند و حتی سعی می‌کردند اسم شما را بر زبان نیاورند.»

فالاجی از مزایای دموکراسی غربی سخن می‌گوید. شاه می‌گوید: «من آن دموکراسی را نمی‌خواهم چون نمی‌دانم با چنین دموکراسی چه باید کرد و همه‌اش را به شما می‌بخشم.»

شاه می‌افزاید: «شما فقط دموکراسی و آزادی را یاد گرفته‌اید، با تکنولوژی امروز چه می‌کنید؟ با کمبود آمادگی فکر نمی‌کنید که نوکر امریکائی‌ها یا یک کشور طبقه سه و چهار بشوید؟»

وقتی فالاجی می‌گوید چرا مبارزین سیاسی را تیرباران می‌کنید؟ شاه پاسخ می‌دهد: «من نمی‌دانم شما در مورد اعدام و غیره چگونه فکر می‌کنید اما بعضی از قضاوت‌ها به نوع تربیت، فرهنگ، آب و هوا مربوط می‌شود که ممکن است برای یک کشور خوب و برای سرزمین دیگری بد باشد. مثلا اگر دو عدد تخم سیب را بردارید و یکی را در تهران و دیگری را در رم بکارید، درخت سیبی که در تهران رشد خواهد کرد هرگز با درخت سیبی که در رم رشد کند مشابه نیست و به همین جهت در ایران اعدام بعضی از اشخاص لازم است.»



اوربانا فالاجی روزنامه‌نگار مشهور ایتالیائی در روز ۵۸/۷/۲ در دیدار و مصاحبه‌ای که با خمینی در قم داشت. بخش‌هایی گفت‌وگوی خمینی با فالاجی:

حضرت امام! این‌هایی که الان دم از مخالفت می‌زنند، عده‌ای هستند که اکثرشان مبارزه کرده‌اند و زجر کشیده‌اند و ضد رژیم گذشته بودند. چه‌طور امکان دارد که فضا و حق وجود به چپی که این همه مبارزه و رنج کشیده، نداد؟

خمینی: امکان ندارد. حتی یکی‌شان نه مبارزه کرده‌اند، نه رنج کشیده‌اند. همه از دولت و از رنجهای این ملت ما استفاده برده‌اند و بر ضد ملت ما قلم‌فرسائی کرده‌اند.

فالاچی: منظور من بیش تر روی چپی‌هائی است که در زندان هم بوده‌اند، یا به دست شاه شکنجه شدند.

خمینی: در این نهضت ما دخالت نداشتند. در نهضت ما هیچ یک از این‌ها، بلکه مخالف بودند. همین چهار تا هم که الان بر خلاف ما دارند فعالیت می‌کنند، آن‌ها یک مسلک خاصی داشتند و روی مسلک خاص‌شان هستند. نهضت ما یک نهضت اسلامی بود که چپی با آن مخالف است و مخالفت او هم با ما بیش‌تر است از مخالفت شاه. و آن‌ها هم توطئه‌گر هستند و می‌خواهند همان مسائل را برگردانند.

فالاچی: شما خطر فاشیسم را در ایران امروز می‌بینید؟

خمینی: هیچ، ادا هم‌چو خطری نیست. مادامی که این ملت به اسلام توجه دارد و تابع اسلام است و ما حکومت اسلامی می‌خواهیم درست کنیم، هیچ خوفی نیست. هیچ دیکتاتوری نخواهد بود. و هیچ خطری برای این مطالب نیست. ما وقتی خطر دار هستیم که کمونیسم بتواند به ما غلبه کند که آن وقت اول گرفتاری و دیکتاتوری می‌باشد. یا رژیم نظیر رژیم شاه پیش بیاید. آن هم همان‌طور است. و اما آن رژیمی که ما می‌خواهیم، آن رژیمی است که ملت ما دنبالش هستند، دیکتاتوری در آن معصیت بزرگ است. و فاشیستی از معاصی بزرگ است پیش ملت ما. و هیچ هم‌چو خطری نیست پیش ما.

فالاچی: می‌گویند این‌ها که اعدام شده‌اند، همه‌شان مقصر سیاسی و ساواکی و این‌ها نبودند. آن‌ها هم اعدام شدند.

خمینی: برای این‌ها که لواط کردند و زنا کردند. البته من توضیح دادم که این جور نیست. این‌ها تاجر و این چیزها بودند و بچه‌ها را می‌زدیدند و این حرف‌ها، و اخبار دروغ به شما گفتند. بله اصل مسأله را باید گفت. و آن این است که اگر یک بدنی یک انگشتش فاسد بشود چه باید کرد برای اصلاح آن بدن. آیا باید این انگشت را گفت تو باش این‌جا، فاسد کن این بدن را؟ این انگشت یک مفسده است و باید برید این چیزهائی که می‌دانید که این‌ها به فساد می‌کشند.

فالاچی: می‌گویند یک زن هجده ساله را که آبستن بوده این را به‌عنوان اینکه زنا کرده اعدام کردند.

خمینی: دروغ است، نمی‌شود، در اسلام نیست. این جزو همان‌هاست که به ما نسبت می‌دهند.

فالاچی: این روزنامه‌ها بودند که درباره آن نوشتند.

خمینی: بی‌اطلاع. ما چه می‌دانیم حالا چه شده. وقتی به محکمه رفته است محکمه حکم کرده است.

فالاچی: این چادر، آیا صحیح است که این زن‌ها خود را در زیر چادر مخفی کنند؟ این زن‌ها در انقلاب شرکت کردند. کشته دادند. زندان رفتند. مبارزه کردند، این چادر هم یک رسم از قدیم مانده ای است. حالا دیگر دنیا هم عوض شده. حالا این صحیح است که مثلاً این‌ها خودشان را مخفی کنند؟

خمینی: اولاً این‌ها که این یک اختیاری است برای آن‌ها، خودشان اختیار کردند. شما چه حقی دارید که اختیار را از دست‌شان بگیرید؟ ما اعلام می‌کنیم به زن‌ها که هر کس چادر می‌خواهد یا هر کس پوشش اسلامی، بیاید بیرون. از ۳۵ میلیون جمعیت ما ۳۳ میلیون بیرون می‌آید. شما چه حقی دارید که جلو این‌ها را بگیرید؟ این چه دیکتاتوری است که شما نسبت به زن‌ها دارید؟ و ثانیاً این‌ها که ما یک پوشش خاصی را نمی‌گوئیم. برای حدود زن‌هائی که به سن و سال شما رسیده‌اند هیچ چیزی نیست. ما زن‌های جوانی که وقتی ایشان آرایش می‌کنند و می‌آیند، یک فوج را دنبال خودشان می‌کشند، این‌ها را داریم جلوشان را می‌گیریم. شما هم دل‌تان نسوزد. من دیگر بلند شوم. شما هم دل‌تان نسوزد.



خاطره آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی از ماجرائی تاریخی که ۲۴ دی ۵۷ و دو روز قبل از خروج همیشگی شاه از کشور رخ داد.

اخوان مرعشی می‌گفت: در مشهد من، آقای خامنه‌ای، آقای (واعظ) طبسی تولیت، آقای میرزا جواد آقا تهرانی، آقای آشیخ علی فلسفی و آشیخ مهدی نوقانی در اتافی بودیم. گفتند: الان عکس آقای خمینی در ماه ظاهر شده است. ما انکار کردیم و گفتیم این‌چنین نیست. آقای طبسی گفت: آقا بیایید ببینید! الان پیدا است و به زور ما را بیرون کشانید. امیرزا جواد آقا تهرانی که می‌دانست این حرف اصلی ندارد، از اتاق بیرون نیامد. من به ماه نگاه کردم و گفتم: من که چیزی نمی‌بینم. آقای طبسی با تندگی گفت: تو همیشه مناقشه می‌کنی، نباید همه چیز را انکار کنی! آقای فلسفی گفت: من چیزی حس نمی‌کنم. آقای خامنه‌ای گفت: چشم‌های من ضعیف است لذا نمی‌توانم شهادت بدهم، ولی مثل این‌که کُلف‌های ماه (لکه‌های روی ماه) قدری بیش‌تر شده است، یعنی مثل این‌که تفاوتی حس می‌کنم. آشیخ مهدی نوقانی گفت: من عبا و عمامه‌ای می‌بینم، ولی خوئی است یا خمینی تشخیص نمی‌دهم. غرض این‌که علاقه افراد در ادراک آن‌ها اثر می‌گذارد. (پایگاه خبری فردا)

سیدمحمد سعیدی، امام جمعه موقت قم، درباره نحوه تولد خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی با واکنش مختلف کاربران فضای مجازی روبرو شده است.

سعیدی در فیلمی که در یوتیوب منتشر شده به نقل از خواهر ناتنی رهبر ایران مدعی می‌شود که آقای خامنه‌ای هنگام تولد و خروج از رحم مادرش به جای گریه کردن «یا علی» گفته و قابله نیز در جواب وی پاسخ داده «علی نگهدارت باشه».

سعیدی علاوه بر امامت جمعه قم، عهده‌دار سمت ریاست شورای فرهنگ عمومی استان قم و ریاست ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر این استان نیز هست.

او به نقل از خواهر ناتنی رهبر ایران می‌گوید: «قابله نوی اطاق داشت زمینه تولد این فرزند جدید را فراهم می‌کرد، گفت یک مرتبه دیدم صدای قابله بلند شد که: «علی نگهدارت باشه» این تعبیره. گفت درو باز کردیم آمدیم تو گفتیم چی شد گفت که این آقا، یعنی مقام معظم رهبری وقتی که می‌خواست از بدن مادر خارج بشه گفت یا علی» (صلوات حاضران)

فالاچی درباره مصاحبه با خمینی دو بار توضیح داده است؛ ابتدا در لید چاپ نخست مصاحبه که در تایمز ۷ اکتبر ۱۹۷۹ میلادی چاپ شد. اوریانا در مقدمه تایمز آورد: از همان لحظه اول فهمیدم فضا آن‌طور نیست که فکر می‌کردم. من شاید تحت تاثیر فضای ساده خانه آیت‌الله که در یک کوچه خاکی واقع شده بود قرار داشتم... در این مصاحبه، آیت‌الله

خمینی نه بستن روزنامه آیندگان را تکذيب کرد، نه اعدام‌ها را و نه محدوديت‌های حرکت کمونيست‌ها را. او با تمام مصاحبه‌شوندگان قبلي فرق داشت.

فالاچي هنگامي که چادر را بر مي‌دارد خميني بلافاصله اتاق را ترک مي‌کند. فالاچي مي‌گويد: آيت‌الله با چنان سرعتي از اتاق خارج شد که براي مردی با آن سن و سال غير قابل تصور بود.

در حقيقت اوريانا فالاچي در مصاحبه با محمدرضا پهلوي و خميني آن‌ها را وادار کرد تا سياست‌های ضدانسانی خود را در ارتباط با اعدام مخالفان و زنان و... بروز دهند.

از سوي ديگر، ديکتاتورها در هر لباسی باشند چگونه خود و يا اطرافيان‌شان داستان‌سرايی‌های خرافي براي خود درست مي‌کنند تا خود را مافوق جامعه جلوه داده شوند و مردم عوام را فریب بدهند. هرچند لباس و ظاهر شاه و خميني و خامنه‌ای با هم تفاوت داشتند اما فکرشان ارتجاع و مملو خرافات مذهبي است.

در حال حاضر، ايران با بحران اقتصادي شديد روبه‌روست و تحريم‌های اقتصادي امريکا بيش‌ترين فشار را به مزدبگيران و محرومان جامعه مي‌آورد اما در دست حاکميت و سران و مقامات و نهادهای سياسي و نظامي و امنيتي و قضائي حاکميت آن‌قدر پول و ثروت انباشته شده است که بهراحتي چرخ‌های ماشين سرکوب و خرافات خود را مي‌چرخاند.

براي نمونه به گزارش سايت خبري مآرا؛ حجت‌الاسلام ميرزا محمدي، سخنران مسجد ارگ تهران در يک ويديوي که اخيرا! در شبکه‌های اجتماعي منتشر شده است مي‌گويد چيزي حدود ۹۰۰ ميليون تومان هزينه ضدعفوني مسجد ارک در ماه رمضان شده است و امکانات به‌کار گرفته شده براي اين منظور را وزارت کشور هم در اختيار ندارد و به‌گفته او افراد عضو سپاه پاسداران از آن سوي آب‌ها آورده‌اند.

يا قرار است زيرزمين مزار خميني، به يک موزه ملي تبديل شود. موزه قرار است با هزاران ميليارد تومان بودجه در زميني به وسعت ۴۰ هزار مترمربع ساخته شود.

به‌گزارش خيرگزارهای ايران، در ديداری که به‌تازگی ميان سيدحسن خميني، متولي اصلي قبر خميني و علي‌اصغر مونسان، وزير ميراث‌فرهنگي، گردشگري و صنايع‌دستي، صورت گرفته قرار شده است که در زيرزمين اين مرقد يک «موزه شماره دو» شکل بگيرد.

در اين مزار هم‌اکنون يک «موزه شماره يک» در دست احداث است که قرار است مدارک و اسنادی از زندگي و آثار خميني را به بازديدکنندگان نشان دهد.

بنا به گزارش اخير: «اين موزه در حال گذراندن مطالعات نهائي است. قرار بود پايان سال ۹۸ نيز مراسم افتتاح اين موزه برگزار شود که اکنون به دليل وضعيت بد اقتصادي افتتاح اين موزه به تعويق افتاده است.»

بر اساس اين گزارش: «موزه شماره يک شامل سه طبقه و در فضائي به مساحت ۹ هزار مترمربع احداث شده است. يکی از طبقات اين ساختمان سه طبقه نيز داراي کتابخانه بزرگی به وسعت ۸ هزار متر مربع است. اين کتابخانه قرار است به يک ميليون جلد کتاب تجهيز شود و قرائت‌خانه آن گنجایش ۳۰۰ مراجعه‌کننده دارد.»

محمدباقر نوبخت، سخن‌گوی دولت نيز تلاش‌های خود را براي تصويب اعتبار لازم آغاز کرده است. گفته مي‌شود: «تمامی بودجه و اعتبار و آثار و اشياي تاريخي مورد نياز شعبه دوم موزه ملي ايران در زيرزمين صحن امام خميني بايد از سوي وزارت ميراث فرهنگي تأمين شود.»

تنها برای آماده‌سازی هر متر از فضای ۲۵ هزار مترمربعی مربوط به «شعبه دوم موزه ملی ایران» که قرار است در زیرزمین مرقد خمینی احداث شود، به ۱۰ میلیون تومان نیاز است، یعنی روی هم به ۲۵۰ میلیارد تومان؛ اما برای کل پروژه باید بودجه‌ای برابر هزاران میلیارد تومان اختصاص داد.

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که دین و مذهب و باور به خرافات مذهبی، عقل و شعور، منطق و آگاهی انسان را می‌گیرد و به جایش جهالت و عقب‌ماندگی را در ذهن و فکر او می‌کارد. به‌علاوه حکومت‌هایی همچون حکومت‌های فاشیستی ملی-مذهبی همچون حکومت اسلامی ایران، که ایدئولوژی اسلامی و خرافه‌پرستی و خداپرستی دارد جز سانسور و سرکوب، زندان و شکنجه، شلاق و قطع عضو، اعدام و ترور، کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در زندان‌ها، سرکوب سیستماتیک زنان و حجاب اجباری اسلامی، اعدام کودکان، ولایت‌فقیه، شورای نگهبان، قانون مجازات اسلامی، دادگاه‌های انقلاب اسلامی، سپاه مخوف پاسداران، نیروهای بسیج، سربازان گمنام امام زمان، گروگان‌گیری، تروریسم دولتی، هشت سال جنگ با عراق، جنگ‌های نیابتی و ناامنی در منطقه، خصومت و دشمنی با علم و دانش و آگاهی و هنر مردمی، اشاعه بیکاری، فقر، فحشا، اعتیاد، کلیه‌فروشی، قرینه چشم‌فروشی، جنین‌فروشی، کارتن‌خوابی، گورخوابی، پشت‌بام‌خوابی، مفت‌خوری روحانیون و ثروت‌اندوزی بی‌حدوحصر آن‌ها، فریب‌کاری و پنهان‌کاری و دروغ‌گوئی و... تاکنون حاصل دیگری برای جامعه ایران نداشته است.

خمینی بنیان‌گذار این حکومت از همان روزهای نخست به قدرت رسیدنش، شمشیر اسلامی و الهی خود را از رو بست و با خصومت و خشونت بی‌سابقه‌ای با مردم به‌ویژه معترضین برخورد کرد. دهه نخست حکومت اسلامی که خمینی بر راس آن بود به‌کلی در جهت شکست کشاندن انقلاب مردم، به سرکوب و اعدام، جنگ با مردم آزادی‌خواه و حق‌طلب و انقلابی و جنگ هشت ساله ایران و عراق گذشت و در پایان نیز به فرمان او، هزاران زندانی سیاسی در زندان‌های سراسر ایران به‌طور مخفیانه اعدام شدند و مخفیانه در جاهای نامعلومی از جمله خاوران دفن شدند. هنوز هیچ مادر و پدری و فرزندی نمی‌داند که عزیزان آن‌ها را در کجاها دفن کرده‌اند. در حالی که یکی از کشتارکنندگان زندانیان در آن دوره، ابراهیم رئیسی‌ست که هم‌اکنون در راس قوه قضائیه، یعنی این ماشین کشتار حکومت اسلامی قرار دارد.

بی‌تردید مهم‌تر از همه ارزش‌های انسان آگاه و آزاد، احترام به حقوق انسان‌ها، احترام به حقوق سایر جانداران و طبیعت، احترام به برابری زن و مرد در همه شئون اجتماعی، احترام به حقوق کودکان، ارتقای فرهنگ و ادبیات و هنر مردمی، تلاش برای همبستگی و عدالت جهانی، باور به آزادی کامل و آزادی نقد، باور به عشق و دوستی و... است که اسلام و حکومت اسلامی همه این ارزش‌های انسانی را به‌کلی لگدمال کرده و سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه ایران را بر باد داده است.

اساساً در فرهنگ و ایدئولوژی حکومت اسلامی ایران، اخلاق و وجدان، آزادی و برابری، رفاه و شادی، صلح و انسان‌دوستی کمترین جایی ندارد هر آنچه که هست دشمنی و خصومت با جامعه‌گرایی و طبیعت‌گرایی و انسان‌گرایی است! به همین دلایل در عملکردهای چهل و یک ساله حکومت اسلامی، هیچ چیز مثبتی پیدا نمی‌کنیم که به‌نفع شهروندان ایران و یا جهان و طبیعت باشد.

جامعه بشری دقیقاً اطلاع ندارد که ۱۴۰۰ سال پیش در دوران محمد پیامبر مسلمانان چه وقایعی روی داده است اما برای مثال، اگر اعمال وحشتناک و غیرانسانی خمینی و رساله او را در نظر بگیریم محمد هم دیکتاتوری مانند خمینی بود و رساله‌اش هم قرآن است! باور به خدا و معجزه پیامبران و امامان آگاهی علم و منطق انسانی را شدیداً خدشه‌دار می‌کند و انسان را به موجودی درمانده تبدیل می‌کند که چشم به آسمان دوخته و به قدرت و توانائی خود در روی زمین باور ندارد.

در چنین شرایطی، بدون گذر از کلیت حکومت اسلامی، برپائی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی در ایران ممکن نیست! جامعه‌ای که همه شهروندان بدون توجه به ملیت، جنسیت، باورهای مذهبی و عقاید سیاسی از حقوق یکسان و برابر برخوردار گردند. جامعه‌ای که دیگر زندان و زندانی سیاسی و اجتماعی افسانه است و در کتاب‌های تاریخ با آن‌ها آشنا می‌شویم. جامعه‌ای که همه شهروندان از آزادی بی‌حدوحدصر بیان و اندیشه برخوردارند و سانسور و توجیهات دیگر کمترین جایی ندارد. جامعه‌ای که هیچ شهروندی از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر دیگری برتری نداشته و همه حق و حقوق برابری دارند! جامعه‌ای که همه شهروندان جدا از هر شغلی که دارند از حقوق و مزایای برابر بهره‌مند هستند. جامعه‌ای که نهایتاً مذهب در هیچ عرصه زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی دخالتی ندارد و کاملاً امر خصوصی افراد بالغ است نه کودکان. جامعه‌ای که با شهروندان منطقه و جهان عهد و پیمان صلح و دوستی و احترام متقابل می‌بندد و با تمام قدرت به آن وفادار می‌ماند!

سه‌شنبه بیست و یکم مرداد [اسد] ۱۳۹۹ - یازدهم اگست ۲۰۲۰